

بررسی جایگاه علمی حافظ رجب بُرسی حلی

اعتماد به آثار عارف محدث شیخ حافظ رجب
بُرسی و رفع اتهام از وی

غلامرضا گلی زواره^۱

چکیده

شیخ‌رضی‌الدین حافظ رجب بُرسی حلی عارف و عالم قرن‌های هشتم و نهم هجری، در طبقه شاگردان شهید اول قرار دارد. او بعد از تولد در زادگاهش، بُرس، به شهر حله، که حوزه علمیه پررونقی داشت، هجرت کرد؛ وی آثار متعددی نوشت و اشعار بسیاری در وصف ائمه هدی سرود؛ با وجود آنکه آثارش در عصر خود و نیز در قرن‌های بعد از حیاتش، مورد اعتماد و استناد عالمان شیعه قرار گرفته است؛ برخی از وی به دلیل مطرح کردن اسرار و رازهای ائمه اطهار علیهم‌السلام، نقل روایات متفرد و استفاده از دانش‌های شگفت، از جمله علم حروف و اعداد و مانند آن، انتقاد کرده‌اند. درمقابل، عده دیگری از مشاهیر شیعه او را از اتهام گزافه‌گویی و غلو بری دانسته، و در وصف او چنین نقل می‌کردند که او در شرایطی آشفته، از شدت اشتیاق به ا ل بیت علیهم‌السلام، تمام ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود را برای معرفی و نشر فرهنگ، معارف، فضایل و مناقب ائمه هدی علیهم‌السلام به کار گرفت. کلیدواژه: حله، حوزه علمیه حله، حافظ رجب بُرسی، آثار علمی.

۱. محقق و نویسنده.

در دوران فرمانروایی تیموریان و حکمرانی جلایریان، به رغم برخی تنگناها و فشارهای مخالفان و مغرضان، تشیع به لحاظ کمی و کیفی گسترش یافت و شرایط برای تعیین و تشریح عقاید، معارف و تعالیم مذهب شیعه فراهم شد. فرزاندگانی که در عصرهای قبل می‌زیستند در بیان نظرها و دیدگاه‌های ایشان به نوعی تقیّه روی آورده بودند؛ و اسراری را که با پژوهش‌ها، موشکافی‌ها و پیمودن طریق معنوی، به آنها دست یافته بودند، در پوشش‌هایی بیان می‌داشتند؛ اما در این عصر عالمان و عارفان قادر بودند حقایق رازآلود را به زبان آورند به تدریس آن پرداخته و به رشته نگارش درآورند.

در این میان، عارفان به با پرهیزگاری و اهتمام به تزکیه درون، کوشیدند اقشار گوناگون را با فضایل، مناقب و منزلت ملکوتی ائمه علیهم‌السلام آشنا کنند و مردم مشتاق و مستعد را به سوی این مکتب نورانی و آموزه‌های آن متمایل سازند؛ البته ایشان این هدف پاک و مقدس را با نوعی اشتیاق درونی و فداکاری پیگیر بودند و برای رسیدن به چنین منظوری، مسیری مخوف و صعب‌العبور را طی کرده و موقعیت علمی، اجتماعی، آسایش و آرامش خویش را به مخاطره انداختند، تا بتوانند مقامات و کمالات این ستارگان درخشان را به جامعه اسلامی معرفی کنند. استمرار این راه پُر برکت باعث شد برخی تنگ‌نظران و افراد فرومایه از این بابت هراسان شوند و احساس خطر کنند؛ و چاره را در این دیدند که محدثان و عارفان شیعه را تکفیر کنند و آنان را مفسد و غالی خطاب کنند؛ متأسفانه این تبلیغات مسموم و اتهامات در قرون بعدی از سوی برخی تاریخ‌نویسان، موضوعی واقعی تلقی شد؛ به همین دلیل است که در وصف این مشاهیر گاهی نظرهای متناقض ارائه شده است. (اسفزاری، ۱۳۳۹ش، ج ۲، ص ۳۲۸-۳۲۹؛ ناصری داودی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۸۳؛ گلی‌زواره، ۱۳۷۹ش، ص ۱۸-۱۹)

درحالی‌که غالی به افرادی گفته می‌شود که در حق امامان به حدّی غلو کرده‌اند و ایشان

را از حدّ مخلوق خداوند بیرون آورده و الوهیت را به ایشان نسبت می‌دهند؛ مسائلی چون حلول، تشبیه، اباحه و تناسخ را مطرح کرده‌اند، محرّمات شرع مقدّس را مباح دانسته‌اند و وجوب فرایض را اسقاط کرده‌اند. (شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۳ و ۱۹۰؛ بغدادی اسفراینی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۳، ۲۳۳ و ۲۵۳)

تعبیر بلند عرفانی و اسرار و رموز باطنی که این بزرگان در حقّ ائمه علیهم‌السلام بیان کرده‌اند و در آثارشان آورده‌اند در فرموده‌های امامان و دعا‌های آن بزرگواران به وضوح دیده می‌شود؛ البته این گونه معارف که با عقلانیت عادی خرد تطهیر نشده، نه تنها قابل درک نیست بلکه سنخیتی هم ندارد. حضرت امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند:

امام یگانه عصر است که کسی با او برابری نمی‌کند؛ جایگزین و نظیر ندارد، بدون تحصیل، مختص به فضل از جانب مُفضل منان است. کیست که به حقّ شناسایی امام برسد؟! هیئات! خرده‌ها درباره‌اش گمراه‌اند، عقل‌ها سرگردان، چشم‌ها از دیدنش ناتوان، بزرگان کوچک‌اند، حکیمان در حیرت، بردباران کوتاه‌نظر، هوشمندان و امانده، شاعران عاجز از وصف، ادیبان در مانده و سخنوران زبانشان قاصر! همه به عجز خود در این باره معترف‌اند. (کلینی رازی، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۱۲۵)

درواقع آنچه عارف محدث و ادیب دانشور، شیخ حافظ رجب بُرسی در قالب مباحث تفسیری، روایی، کلامی، ذوقی و نکات رازآلود در وصف حالات و فضایل ائمه هدی به رشته نگارش درآورده است از علوّ مقام، منزلت، رفعت و سرافرازی‌های آن نجوم امت، کایت دارد و در ا مندرجات غلو و مبالغه غیر متعارف دیده نمی‌شود.

به رغم این مخالفت‌ها و مذمت‌ها، نگاشته‌ها و سروده‌های وی از عصر او تاکنون به کرات مأخذ و مرجع عالمان، محدثان و ادیبان قرار گرفته و بسیاری از دانشمندان شیعه بر نوشته‌های وی استناد کرده‌اند و از آنها برای غنای الیفات خویش و مستندسازی اظهارات خود مطالبی نقل کرده‌اند.

حوزه حلّه در اوج شکوفایی

حوزه علمیه حلّه به لحاظ عواملی چون گسترش مدارس علوم دینی و تربیت مدرسان و طلاب دانشمند و فاضل در اوج قرار گرفت. این شرایط مساعد باعث شد عده‌ای از علما و مشاهیر در مناطق جهان اسلام به سوی حلّه کوچ کنند و انوار علمی و فکری آن به سوی دیگر نقاط عراق پرتوافشان شود؛ در این ایام شخصیت‌هایی چون ابوطالب محمد معروف به فخرالمحققین فرزند برومند علامه حلّی (م ۷۷۱ق)، تقی‌الدین ابومحمد حسن معروف به ابن داوود (م ۷۵۰ق)، عمیدالدین عبدا طلب حسینی اعرجی (م ۷۵۱ق)، تاج‌الدین سیدمحمد حسینی معروف به ابن معیه (م ۷۷۱ق) و رضی‌الدین علی فریدی (م ۷۵۷ق) از ارکان حوزه علمیه حلّه به شمار می‌آمدند.

جاذبه این ستارگان تابناک باعث شد دانشمند شهید شمس‌الدین محمد مکی (شهادت ۷۸۶ق)، در حالی که سنین جوانی را سپری می‌کرد، به حلّه کوچ کند و در علوم و معارف اسلامی از محضر این مشاهیر استفاده کند و هنگام اقامت پنج ساله در این دیار برخی طلاب را از کمالات خود برخوردار سازد. (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، ص ۳۹۸-۴۰۰؛ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹ش، ج ۲۱، ص ۳۱۶-۳۲۰؛ موسوی خوانساری ۱۳۹۱ق، ج ۶، ص ۳۳۰؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲-۲۳)

شراهای شوق

در چهارده کیلومتری جنوب غربی حلّه و بر کرانه رود فرات و نوزده کیلومتری جنوب غربی شهر بابل، دهکده‌ای به نام «بُرس» قرار دارد. در قرن هشتم هجری در این آبادی کودکی به نام رجب به دنیا آمد؛ وی بعدها به «رضی‌الدین» ملقب شد و در سروده‌های خویش از تخلص حافظ استفاده کرد؛ این طفل از طرف مادر با ابن داود حلّی نسبت خونی داشت؛ او بعد از سپری کردن دوران کودکی و اوایل نوجوانی راهی حلّه شد و در فقه، حدیث و کلام اسلامی از مدرسان پرآوازه این شهر فیض وافر بُرد و به موازات آن در تفسیر، عرفان، ادبیات

و علوم غریبه نیز مطالعاتی داشت.

او با عبادت و خودسازی سرانجام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و عترت آن حضرت را شایسته دل بستگی و مهرورزی دانست و این ارتباط قلبی دل و ذهنش را متحول ساخت. از این رو این عارف محدث از نوعی فراست، درایت، بصیرت و درکی عالی برای کشف حقایق مکتوم و مستور، برخوردار شد. از سوی دیگر، اگرچه در حوزه لمیه حلّه بر علوم منقول تأکید می‌شد، اما بزرگان این حوزه بستر را برای احیای روحیه پژوهش فراهم، و طلاب را به کاوش‌های علمی و ارزیابی آثار دیگران تشویق می‌کردند. (جوادی و حسینی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۸۰-۱۸۵؛ طاهری‌پور، ۱۳۹۵ش، ص ۹۰-۹۵؛ سایت تبیان، ۱۳/۹/۱۳۸۷؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۹۸، ۲۰۳ و ج ۱۴، ص ۳۹۸-۳۹۹)

پژوهش‌های شگفت

اشتیاق بُرسی به ساحت مقدس ا بیت صلی الله علیه و آله جهت‌گیری فکری و عقیدتی او را می‌پیم می‌کرد. این جهت‌گیری فکری تدریجاً از طریق مطالعه منابع روایی، کلامی و تاریخی و آشنا شدن با کمالات آن بزرگواران حاصل شد؛ در ادامه ایشان با توجه به مساعد بودن اوضاع فرهنگی و آموزشی حاکم بر حوزه حلّه احساس کرد زمان آن فرار ییده است تا با پژوهش‌های عمیق‌تر درباره مقامات خاندان طهارت تحقیق کند و در قالب آثار منظوم و منثور به علاقه‌مندان عرضه کند و دشمنان و معترضان را به عقب‌نشینی وادارد. از این رو کوشید با استفاده از علوم ریه، استدلال‌های عقلی و نقلی و مایه‌های ذوقی به رازهایی دست یابد و از عقاید شیعه دفاع کند. آن عاشقِ عارف تمامی توان، عمر، موقعیت اجتماعی و آبروی خویش را در این مسیر، در طبق اخلاص نهاد. این عارف محدث به فضایل رازآلودی از خاندان نبی اکرم صلی الله علیه و آله رسید که کمتر کسی از آن خبر داشت. برخی از نکات منحصر بفرد بوده، و در منابعی که بُرسی از آنها بهره برده، دسترسی به آن دشوار است، از این رو برخی، اتهاماتی به وی وارد کرده‌اند و پاره‌ای از نوشته‌هایش را غلوآمیز دانسته‌اند. البته همواره چنین بوده که وقتی مشاهیر شیعه حقایق شگفت‌انگیز از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل می‌کردند، برخی تحمل

پذیرش آن را نداشتند و از روی تعصب و حساسیت‌های بی‌جا گویندگان و نویسندگان این حقایق را تحت فشار قرار می‌دادند؛ آفتی جانکاه که بسیاری از حق‌طلبان از گزند آن مصون نبودند؛ آنها همواره در برابر این یورش‌ها در خط مقدم حضور داشتند؛ متأسفانه این رفتارهای تعصب‌آلود، فضا را برای محققان معارف اهل بیت تنگ می‌کرد؛ اما ایشان با وجود این فشار با اجازه نمی‌داد، چنین حقایقی به بوته فراموشی سپرده شود.

حافظ بُرسی، نیز این راه را پیمود؛ او برای اثبات مقامات ملکوتی ائمه روایات فراوانی را نقل و شرح داد و اشعار زیادی را در این باره سرود؛ در راه ترویج عقیده خود از مفاهیم فلسفی، عرفانی و کلامی بهره بُرد و به سخنان بزرگان عرفان و معارف ذوقی استناد کرد؛ از علم حروف و اعداد کمک گرفت و از این رهگذر، اسراری را کشف کرد که در معرض دید خوانندگان گذاشت و باعث اعتراض، نکوهش و تندروی برخی افراد شد. این مخالفت‌ها از عصر خودش آغاز و در قرن‌های بعد هم تداوم پیدا کرد. در این میان، عده‌ای از علمای شیعه به دفاع از وی برخاستند، و او را از طرح مباحث افراطی مبرا دانسته و افزوده‌اند او جرمی جز محبت اهل بیت علیهم‌السلام و ترویج و نشر معارف خاندان طهارت نداشته است. (امینی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۵۱-۵۳؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۰۴؛ حافظ بُرسی ۱۳۹۵ش، ص ۱۱ و ۱۲؛ گلی‌زواره، ۱۳۶۸ش، ص ۵-۷)

حافظ بررسی از منظر صاحب‌نظران

۱. میرزا عبدالله افندی اصفهانی (۱۱۳۰-۱۰۶۶ق)

وی می‌نویسد: رضی‌الدین، رجب بررسی، شیخی حافظ، فاضل، عارف و فقیهی محدث است. در دهکدهٔ برس به دنیا آمد اما در شهر حلهٔ زندگی می‌کرد. او از عالمان متأخر امامیه بود که قبل از «کفعمی»، مؤلف مصباح، زندگی می‌کرد. در اکثر علوم، از جمله دانش‌های شگفت، ید طولایی داشت و در آثار خود مباحث جدیدی را طرح کرد؛ اسامی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام را از آیات قرآن استخراج کرد. از علم حروف و اعداد برای کشف حقایق کمک گرفته است که این امر موضوعی کم‌نظیر است. (افندی اصفهانی، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۱۰)

۲. شیخ حُرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق)

حُرّ عاملی از وی چنین یاد کرده است: شیخ حافظ، رجب بُرسی، فاضلی محدث، سخنوری منشی و ادیب بود. کتاب مشارق انوار ایقین و چندین رساله در باب توحید و دیگر مبانی از او به جا مانده است. گاهی به بعضی موضوعات که در آثار خود آورده است، به وی نسبت افراط داده‌اند. او اشعار ارزشمندی سرود، در این ابیات به گذشتگان و آندگان که به ایشان نسبت غلو داده‌اند، پاسخ داده است. (حُرّ عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۸)

شیخ حُرّ عاملی در اثر دیگری که به احادیث قدسی اختصاص دارد ضمن اینکه روایات متعددی، از بُرسی نقل می‌کند، از او به عنوان شیخ اجل و عارف محدث یاد کرده است. (شیخ حُرّ عاملی، ۱۳۸۴ق، ص ۲۲، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۹۶، ۳۶۴، ۴۶۵، ۵۱۳، ۵۲۵، ۶۳۱ و ۶۳۳)

۳. علامه شیخ محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ هـ.ق)

وی در آغاز کتاب بحارالانوار، کتاب‌های «مشارق انوار الیقین» و «الآلئین فی وصف سادة اکونین» را در زمره آثار «حافظ بُرسی» معرفی می‌کند و می‌افزاید: «روایاتی را که موافق اخبار برگرفته از اصول با اعتبار است، از این آثار استخراج کرده و در کتاب بحارالانوار درج کرده‌ایم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰)

۴. میرزا محمدباقر خوانساری (۱۲۲۶ - ۱۳۱۳ق)

میرزا محمدباقر مورخ و فقیه معاصر است که این بزرگوار را به عنوان مولای دانشمند، شیخ عارف، مرشد کامل قطب و مقدس ستوده و معرفی می‌کند؛ در ادامه، آثارش را بر شمرده و دیدگاه‌های شیخ حُرّ عاملی و علامه مجلسی را نقل می‌کند. در تألیفات بُرسی همچون تفسیر فرات کوفی، بصائر الدرجات، کشف الغمه و خرائج راوندی مطالبی مورد تأمل دیده می‌شود، به پیروان فرقه‌های ضاله از آنها سوء استفاده می‌کنند؛ هر چند صاحب روضات سخنان خود را درباره حافظ بُرسی با حسن ختام به پایان رسانده است. (خوانساری، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۴۵)

۵. سیدعلی اصغر جاپلقی بروجردی (م ۱۳۱۳ق)

این مورخ نوشته است: «بُرسی منسوب به دهکده‌ای از توابع عراق، واقع بین حله و کوفه، است؛ برخی او را غالی دانسته‌اند، اما او از این اتهام مبرا است و غلوی در آثارش مشاهده نمی‌شود. این گونه تهمت‌ها خالی از غرض و تنگ‌نظری نمی‌باشد». (جاپلقی بروجردی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲)

۶. حاج شیخ عباس قمی (۱۲۵۴ - ۱۳۱۹ق)

ایشان از بُرسی به عنوان شیخ اهل فضل، سخنوری محدث، ادب و صاحب تألیفات متعدد یاد می‌کند و در ادامه د گاههای میرزا عبدالله افندی، شیخ حُرّ عاملی و علامه مجلسی را درباره‌اش متذکر می‌شود. (قمی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۳۰۸؛ همو، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۱۶۶؛ همو، ۱۳۶۳ش، ص ۱۳۸؛ همو، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۳).

۷. میرزا محمدعلی مدرس تبریزی (۱۲۵۸ - ۱۳۳۳.ه.ق)

ایشان نوشته است:

حافظ رجب، برسی المولد، حلّی المسکن، رضی‌الدین لقب، فرزند محمد بن رجب، فقیه فاضل، محدث، عارف، شاعر، ادیب، منشی، از اکابر افاضل اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری می‌باشد که با تفتازانی و سید شریف جرجانی از علمای عامه، و فاضل مقداد و ابن متوج بحرانی، از علمای خاصه، و ظایر ایشان معاصر بوده است». (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۰-۱۱)

۸. اسماعیل پاشا بغدادی (۱۲۵۵-۱۳۳۹ق)

کتاب‌شناس و فهرست‌نگار مشهور و صاحب کتاب معروف ایضاح المکنون، نوشته است: رجب، فرزند محمد، فرزند رجب بُرسی حلّی از گزافه‌گویان شیعه و رافضی است، که علما آنچه را بر زبان آورده است مورد انکار قرار داده‌اند. او در ۸۰۲ هجری قمری در قید حیات بوده است. او تألیفاتی دارد چون تفسیر سوره

اخلاص، دُر ثمین، الالفین، لوامع انوار تمجید، مشارق الامان، مشارق انوار الیقین

ی حقایق اسرار ایرالمؤمنین. (اسماعیل پاشا بغدادی، ۱۴۰۲ق، ص ۲۶۰)

در ادامه خواهم گفت که ادعاهای پاشا بغدادی بی مورد است.

۹. علامه شیخ عبدالله مامقانی (۱۲۹۰ - ۱۳۵۱ق)

ایشان فقیه محدث و عالم رجالی است. وی بعد از آنکه دیدگاه‌های شیخ حُرّ عاملی را

درج کرد، افزود:

هر کس به کتاب حافظ بُرسی مراجعه کند به طور قطع و قین متوجه می‌شود،

او از هرگونه افراطگری و غلو دور است. از بررسی مشارق انوار ایقین معلوم

می‌شود، که ایشان نه تنها در نهایت درجات دقت و مستدل سخن گفتن می‌باشد،

بلکه از استوارترین علمای اعلام شیعه است. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۷، ص ۲۳۱)

۱۰. شیخ علی کاشف الغطاء (۱۲۶۸ - ۱۳۵۲ق)

وی در اثر معروف رجالی خود می‌نویسد: «شیخ رجب بررسی عالمی است محدث، ادیب،

شاعر و حافظ اخبار اهل بیت، اشعار زیاد و مفیدی دارد، که غالباً در فضایل خاندان عترت

سروده است». (کاشف الغطاء، ۱۳۹۶ش، ج ۹، ص ۲۰۷)

۱۱. سید محسن امین جبل عاملی (متوفی ۱۳۷۱ق)

صاحب کتاب ا بیان شیعه نوشته است:

شیخ رضی الدین رجب بُرسی حلی معروف به حافظ که در سال ۸۱۳ هجری

حیات داشته است، به قریه «بُرسی» واح بین کوفه و حلّه منسوب می‌باشد، و به

دلیل اینکه حافظ قرآن بوده، یا حدود هزار حدیث را با متن و سند در حافظه

داشته، به حافظ بُرسی ملقب شده است؛ البته او در اشعار این عنوان را برای

تخلص خود به کار می‌برد. بُرسی در بسیاری از علوم و معارف اسلامی و ادبی

مهارت داشت. سید محسن امین به شیخ رجب انتقادهایی وارد نموده که علامه

امینی این نقدها را مردود می‌داند. سید محسن امین سیزده عنوان از آثار بُرسی را

معرفی می‌کند و ده‌ها بیت از سروده‌هایش را نقل می‌نماید. (ا. مین عاملی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶۵-۴۶۸)

۱۲. شیخ محمدعلی یعقوبی نجفی (۱۳۱۳ - ۱۳۸۵ق)

وی از خطیبان، ادیبان و مدرسان فاضل حوزه نجف اشرف است که حافظ بُرسی را به عنوان عالم، محدث و شاعری مشهور بررسی می‌کند و درباره او چنین می‌گوید:

این شصیت به علوم گوناگونی چون تفسیر قرآن، حدیث، ادیات عرب و اسرار حروف احاطه داشت. ایشان ارادت به خاندان طهارت را در قالب نوشته‌هایی شگفت بروز داد. باید گفت کمتر کسی از اعلام امامیه قبل از او چنین موضوعات عجیب و شگرفی از احادیث معصومین اشاره کرده است.

آنگاه یعقوبی قصیده‌هایی از بُرسی که در مدح فضایل آل بیت علیهم‌السلام است را ذکر می‌کند. (یعقوبی، ۱۳۷۰ق، ص ۳۶۸)

۱۳. علامه شیخ آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ق)

رجال‌نگار، مورخ، کتاب‌شناس و دانشمند جهان‌تشیع، ضمن معرفی اجمالی این عارف محدث در طبقات اعلام الشیعه و معرفی آثارش در کتاب الذرین متذکر می‌شود: «وی مشارق انوار الیقین را در سال ۷۷۳ هجری قمری و کتاب مشارق الامان را به سال ۸۱۱ هجری قمری تألیف کرد». علامه آقابزرگ تهرانی اضافه می‌کند: «کفعمی در کتاب مصباح ذیل خواص اسماء حسنی از برخی تصانیف بُرسی مطالبی نقل می‌کند». (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۶۸ش، ص ۵۸)

۱۴. علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۹۰ق)

ایشان درباره حافظ بُرسی می‌گوید: استاد حافظ رضی‌الدین رجب، پسر محمد، پسر رجب حلّی، از دانشمندان عارف تشیّع است؛ او در زمره فقیهانی جای می‌گیرد که در علوم مختلفی دست داشته است. او برتری آشکاری در علم حدیث، ادیات و سخن‌سرایی داشت؛ همچنین چیرگی در علم حروف و استخراج رازها و منافع آن نیز از ویژگی‌های اوست. از این رو

مشاهده می‌شود که نوشته‌هایش از نکته‌ها و موشکافی‌ها در عرفان و علم حروف سرشار است؛ در دوستی با پیشوایان شیعه عقیده‌ها و نگرش‌هایی دارد، که برخی آنها را نمی‌پسندند و او را تندرو و گزافه‌گوی می‌شمارند، ولی منزلت‌هایی که وی برای معصومین شناخته است به حد غلو نمی‌رسد.

چندی از نگاه‌های بررسی را بررسی کردیم اما در آنها آشفتگی و پریشان‌گویی ندیدیم؛ بخشی از سروده‌های سودمندش را که به ستایش یا مرثیه‌خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص دارد آوردیم. این آثار چیزی جز بازنمایی برتری‌های آن بزرگواران، که شیعه و سنی در آنها با هم اتفاق نظر دارند، نیست؛ حتی ستایش‌های نیکوی بررسی از پایگاه والای این خاندان فروتر است؛ پس آن تندروی‌هایی، که برخی می‌گویند او داشته است، کجا می‌توان یافت؟ (امینی، ۱۳۹۱ش، ج ۷، ص ۵۰-۵۵)

۱۵. شیخ علی خاقانی (۱۳۳۰ - ۱۳۹۸ ه.ق.)

مرحوم خاقانی که خود دانشور فاضل، ادیب و محقق است - درباره بررسی چنین می‌یسد: شیخ حافظ محدث، رجب برسی، تألیفاتی حاوی احادیث معصومین علیهم السلام با اسلوبی عرفانی دارد؛ سروده‌هایش به سبک مشرق می‌باشد و در اکثر موارد مضامینی در مدح، مناقب، فضایل و مراثی خاندان عترت دارد. عده‌ای از اعلام شیعه در آ‌رینش نظم و نثر و در وصف مکارم صومین علیهم السلام، از آن محدث بزرگ و ادیب سخنور متأثر بوده‌اند. یکی از تصنیف‌های معروفش کتاب مشارق انوار ایقین است؛ در آن کتاب احادیث، حکایت‌ها، اخبار غریب و مطالب عجیب آورده شده. این شاعر دانشور و حدیث‌نگار مشهور، به علوم گوناگون تضرع داشت و در تمام آثارش حبّ آل بیت علیهم السلام هویدا است. (خاقانی، ۱۳۷۰ق، ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۶)

۱۶. شیخ موسی زنجانی (م ۱۳۹۸ق)

این علامه محقق متذکر شده است: «بررسی فاضل، محدث، شاعر، ادیب و منشی بود؛ علاوه بر مشارق الانوار، رساله‌هایی در توحید و غیره دارد؛ متأسفانه به وی نسبت افراط و غلو داده‌اند». (عباسی زنجانی، ۱۳۹۴ش، ج ۸، ص ۷۷۳)

۱۷. پروفیسور هانری کربن (۱۲۸۲-۱۳۵۷ش)

این فیلسوف و متفکر فرانسوی دربارهٔ حافظ می‌نویسد:

بُرسی یکی از اندیشمندان شیعه است که در مباحث کلامی صبغه‌ای عرفانی دارد. او الهیات شیعه را با موضوعات ذوقی درآمیخته است؛ آثارش از نظر حکمت شیعی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. کتاب مشارق انوار، که حاوی خطبه‌هایی عرفانی منسوب به حضرت علی علیه السلام است، دیباچه‌ای بسیار عالی بر فلسفه شیعی به شمار می‌آید؛ یکی از دانشمندان اهالی سبزوار که ساکن مشهد مقدس بود، به دستور شاه سلیمان صفوی این اثر را به فارسی شرح داد؛ این کتاب شرحی مبسوط دربارهٔ حقیقت محمدی دارد که مرآت خداوند متعال است، این نور اگرچه واحد است اما دو ساحت دارد: یکی رسالت نبوی و دیگری ویت؛ یعنی محبت الهی که در امام معصوم متجلی است. مشارق انوار بُرسی اثری اساسی برای عرفان شیعه است. (هانری کربن، ۱۳۷۳ش، ص ۲۶۸-۲۷۱)

۱۸. کامل مصطفی شیبی مصری (۱۳۴۵-۵۱۴۲۶ق)

از محققان معاصر، استاد فلسفه دانشگاه بغداد و اهل عراق است؛ اگرچه وی در شباهت‌های میان تشیع و تصوف نظری درست ندارد و برخی انحراف‌های وفیه را به شیعیان نسبت داده است؛ اما دربارهٔ بُرسی مطالبی مفصل دارد، که در بخش‌هایی از آن می‌نویسد:

به دلیل شگفتی‌های افکار شیخ حافظ رجب برسی و تفاوت باورهایش با اعتقادات متداول عصر خود، هم دوره‌های او نامش را از قلم انداخته‌اند؛ به گونه‌ای که ذکر نام وی بسیار نادر است؛ با وجود شهرت او در روزگار خودش، در خصوص زمان تولد، استادان، هم‌دوره‌ای‌ها شاگردان، تاریخ وفات و زادگاهش مطالب قابل توجهی در اختیار نیست.

دربارهٔ نگاه‌هایش به موضوع عجیبی برمی‌خوریم؛ زیرا مؤلفان نزدیک به دوران حیاتش بخش‌هایی از آثارش را در کتاب‌ها و رساله‌ی آورده‌اند، بدون اینکه به شرح حال خودش پردازند؛ ولی نویسندگان بعدی به زندگی، اندیشه و آثارش اشاراتی داشته‌اند. بُرسی جنبه خاصی از عالیم شگفت‌آور دارد

ه مضامین و مصنفات وی، از آن آموزش‌ها ناشی می‌شود؛ او به عنوان یک متکلم شیعه، به شهود و عرفان گراش دارد. او می‌کوشد رازهای حیرت‌انگیز را کشف کند؛ آن‌گونه معارف با عرفان ارتباطی آشکار و تردیدناپذیر دارد که ممکن است در دیدگاه دیگران غیر عادی به نظر آید.

در آثار و سروده‌های بررسی، وصف فضائل حضرت علی علیه السلام بر همه چیز غلبه دارد؛ این امر به گونه‌ای بود که او افکار خود را درباره امیر مؤمنان علیه السلام، مکارم و علو مقام آن حضرت، در آغاز به صورت شفاهی بیان می‌کرد، تا آنکه برنامه‌های تبلیغی فرا می‌شود. بسیاری از اشعار ایشان در مناقب مولای متقیان است. او در سروده‌هایش تلاش می‌کند تا حقیقت علوی را آشکار کند. (شیبی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۳۹-۲۶۶)

شیبی تلاش می‌کند بررسی را فردی صوفی معرفی کند که عناصر و مضامین و فرهنگ تصوف را به اعتقادات شیعه رسوخ داده و می‌گوید که افکارش مبالغه‌آمیز و آفته به غلو است (همان، ص ۲۵۴)

استناد به آثار بررسی

حافظ بررسی در تألیف آثارش اعم از مثنوی و منظوم، اگرچه از سرچشمه قرآن، حدیث، سنت و سیره معصومین علیهم السلام متأثر بوده است، اما از علمای حله و نجف و برخی عرفا و ادبای معروف نیز تأثیر پذیرفته است. احمد بن علی بونی (متولد ۶۲۲ق) کتابی با عنوان شمس المعارف الکبری دارد که برخی معارف و توضیحات کتاب مشارق انوار الیقین به آن شباهت زیادی دارد؛ چنان‌که بررسی در سرودن برخی قصیده‌هایش از ابن فارض مصری اقتباس‌هایی داشته است. (شیبی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۵۳ و ۲۶۴)

بسیاری از مشاهیر نیز در تدوین‌های خویش، به آثار بررسی توجه کرده‌اند. برخی مندرجات بررسی را در کتاب‌های خویش آورده‌اند و در واقع به میراث مکتوب وی اعتماد و استناد کرده‌اند که در ذیل به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱. جمال الدین ابوالعباس احمد بن فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ق)

از معاصرین علامه حلی است در برخی کتاب‌های خود به عقاید و افکار بررسی توجیه کرده است و از آنها بهره گرفته است. ابن فهد فقیهی برجسته به شمار می‌رفت و فقها بر استادی او اذعان داشتند؛ او کتاب التحصین را با دیباچه عارفانه بررسی آغاز می‌کند و همانند وی به دوری از مردمان نامحرم و آماده کردن دل برای تابش انوار الهی تأکید دارد. اشتغال این عالم فقیه به علوم غریبه و نگاشتن رساله‌هایی در این موضوع، نزدیکی اندیشه‌ها و تعالیمش را به آموزه‌های بررسی ثابت می‌کند؛ در سروده‌هایش نیز این شباهت وجود دارد. ابن فهد در دفاع از اهل بیت علیهم‌السلام و ترویج معارف شیعه از احساسات افراطی عاری بود؛ او در آثارش هم این ملاحظه و اعتدال را رعایت کرده است. بعد از ارتحالش، تعلیمات وی با قدرت بیشتر مجال بروز یافت و خیزش‌هایی در عراق و ایران به وجود آورد. (همو، ۱۳۷۴ش، ص ۲۷۲-۲۷۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۹-۱۰؛ خوانساری، ج ۱، ص ۷۵؛ امین عاملی، ج ۳، ص ۶۶)

۲. ملا ابوالقاسم معروف به ملا پریشان (م ۹ق)

ملا ابوالقاسم از ادبا و دانشمندان قرن‌های هشتم و نهم هجری بود که به زبان‌های عربی، فارسی، کردی و ترکی تسلط داشت. زادگاهش دینور، از توابع کرمانشاه، است. وی تصریح می‌کند که به مدت نیم قرن با شیخ حافظ رجب بررسی انس و الفت داشت. تأثیرپذیری این عالم سخنور از بررسی در اشعارش هویداست. او نیز همانند بررسی درباره اسرار آیات، روایات، رازهای کلمات، حروف و اعداد نکاتی را مطرح می‌کند؛ او می‌کوشد از این رهگذر حقانیت مذهب شیعه را در برابر مخالفان و معاندان، به اثبات برساند. از این شاعر گرانمایه دو جُنگ خطی به یادگار مانده که در عصر قاجاریه با خطی زما تحریر یافته است؛ دیوانش موسوم به پریشان نامه به اهتمام فتحعلی حیدری زیباجویی در کرمانشاه به چاپ رسیده است. (یوسفی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ گلی‌زواره، ۱۳۷۹ش، ص ۹۰)

۳. نورالدین علی بن محمد ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ق)

از عالمان بزرگ جهان اسلام و مؤلف کتاب الفصول المهمة فی معرفة الائمة... که اثر

مشهوری است، می‌باشد؛ این کتاب را در برابر کتاب مطالب السؤل محمد بن طلحه شافعی، در دفاع از ائمه اثناعشر به نگارش درآورد. برخی بزرگان به استناد این کتاب و نیز عبارت مندرج در آغازش: «الحمد لله الذی جعل من صلاح هذه الامه نصب الامام العادل»، به شیعه بودن او معتقدند. ابن صباغ در اثر فوق در چند موضع به کتاب مشارق انوار ائمه اثناعشری استناد کرده و از آن مطالبی نقل کرده است. (ابن صباغ مالکی مکی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۱۲۴؛ مدرّس تبریزی، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۶۶)

۴. ابومحمد حسن بن ابوالحسن محمد دیلمی (م ۸۴۱ق)

ایشان محدث امامی، عارف، واعظ و فقیه دانشمند و از شاگردان پید اول است که مورخان و عالمان شیعه وثاقت و منزلت علمی او را ستوده‌اند. این ادیب وارسته که از بصیرت و بینش سیاسی برخوردار بود، در عرفان و معنویت مدارج و مراتبی را بیمود. در آثارش نیز ذوق عرفانی و ادبیات اخلاقی و تعلیمی موجود است.

وی در کتاب ارشاد القلوب مطالبی از بررسی نقل می‌کند، و در خاتمه جلد دوم کتاب قصیده‌ای از بررسی را در مناقب حضرت علی علیه السلام آورده است (دیلمی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲ و ۱۳؛ همو، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۴۶؛ خوانساری، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۱؛ امین عاملی، ج ۵، ص ۲۵۱؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۱۰۴)

۵. شیخ تقی الدین ابرا یم کفعمی عاملی (۸۴۰ - ۵۹۰۵ق)

شیخ تقی الدین دانشمند امامی، مفسر، محدث، فقیه، ادیب، سخنور و صاحب حدود پنجاه جلد کتاب و رساله است. وی در کتاب مصباح خود که آن را در سال ۸۹۵ قمری به پایان رساند و نیز در رساله المقام الاسی فی تفسیر اسماء الحسنی، از کتاب مشارق انوار ائمه اثناعشری و نیز لمعه کاشف بررسی مطالبی نقل کرده است. در واقع وی هنگام تفسیر کردن اسامی مبارک خداوند متعال و توضیحاتی در مورد رازهای اسماء الهی بر نوشته‌های بررسی اعتماد کرده است. اما متأسفانه کفعمی به شرح حال و آثار بررسی اشاره‌ای ندارد. مورخان تصریح کرده‌اند این دانشمند در کتاب مصباح خود، که از آثار مورد وثوق شیعیان استخراج شده است،

نصوصی به نقل از حافظ رجب برسی، نیز آورده است. (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۷۶، ۱۸۳، ۳۱۶ و ۳۶۳؛ همو، ۱۳۷۱ش؛ همو، ۱۳۸۳ق، ص ۵-۹؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۲، ص ۵؛ دایره‌المعارف اسلامی، ج ۱۱، ص ۷۱۳؛ شیخی، ص ۲۲۹)

۶. امیرحسن بن مکرون سنجاری (م ۱۰ق)

سنجاری از مشاهیر قرن‌های نهم و دهم هجری است که عالم به علوم و فنونی همچون کلام، عرفان، منطق، بیان، عروض و ادبیات منظوم بود. وی سخنوری ستوده‌خصال است، که در اشعار خویش مضامین عالی و اهیم عرفانی و ذوقی می‌آورد. سنجاری در قصیده‌ای آثاری چون مشارق الانوار، اسرار الحروف، اسرار آیات و خفی الاسرار برسی را ستوده است. به گفته آقا بزرگ تهرانی، سنجاری صاحب دیوانی هم می‌باشد. احتمالاً او بر علی تقی الدین، فرزند یحیی سنجاری، که معاصر سیدصدر این علی صاحب اسلافه یا متأخر او (از نظر دوران حیات) است، مقدم بوده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۴۷۲؛ انوار، ۱۳۹۳ش، ج ۹، ص ۴۹۶؛ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۷۱۴؛ افندی اصفهانی، ج ۳، ص ۲۶۱)

۷. شیخ عبدالله حلّی یا حلبی (م ۱۰ق)

شیخ عبدالله حلّی از فضلاء دانشمند در قرن دهم هجری و محدثی بزرگوار که ملقب به تقی الدین است. این عالم بلندمرتبه کتاب مشارق انوار برسی را بررسی و ارزیابی کرده است و او منتخبی از آن تهیه، و مطالبی آموزنده که ارزش تحقیقی داشت به آن افزود و تفسیر پانصد آیه از قرآن کریم را، که درباره فضایل بیت علی و آله بود، ضمیمه آن ساخت. این تفسیر اثری مفید و دارای محاسن و مزایایی در خور است. این شخصیت را نباید با شیخ ابوالصالح تقی الدین حلبی، که قبل از عصر برسی می‌زیسته است، اشتباه گرفت.

۸. شیخ فخرالدین احمد بن محمد بن عبدالله احسائی (م ۹۶۰ق)

شیخ فخرالدین عالم فاضل و فقیه جلیل‌القدر از شاگردان ابن متوج بحرانی، که چون نسبش

به سبع بن سالم، فرزند رفاعه می‌رسد، او را سبعی رفاعی معرفی کرده‌اند. شرح قواعد علامه حلّی و شرح الفقیه شد مدیه از آثار اوست. برخی وی را با شیخ فقیه شهاب الدین احمد بن محمد بن فهد بن الحسن بن محمد بن ادريس احسايی، صاحب خلاصه التثقیح در شرح ارشاد علامه حلّی، یکی گرفته‌اند.

ابن سبعی در زمرة سخنوران با ذوق به شمار می‌رود؛ سروده‌های زیادی از این فقیه فرزانه باقی مانده است. او در اشعارش به قصیده‌های بُرسی توجه داشت و صیده‌ای از شیخ حافظ رجب که در مدح امیر مؤمنان علیه السلام است تخمیس کرد که محدث قمی بخشی از آن را آورده است. وی در هند، در سال ۹۶۰ قمری درگذشت. علامه امینی ابن سبعی را از معاصران ابن فهد حلّی می‌دانست، که با قرائن در هم خوانی ندارد، اما مخمس وی را در کتاب اغدیر درج کرده است (قمی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۳۰۹؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۲۲-۲۲۳)

۹. سیدولی الله بن نعمت الله حسینی رضوی حائری (م ۱۰ق)

سیدولی الله از مشاهیر شیعه در قرن دهم هجری و نزدیک به عصر شیخ بهائی عاملی است. او صاحب کتاب تحفة الملوک است، که دارای یک مقدمه، هشت باب و خاتمه می‌باشد. وی کتابی با عنوان المطالب و بحر المناقب یا فخر المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام دارد، که در ۹۳ باب به عدد اسمای حسناى خداوند آن را مرتب کرده است. او در این اثر از کتاب معراج شد صدوق و مشارق الانوار بُرسی به کرات مطالبی آورده؛ رضوی این اثر را در صفر ۹۸۱ هجری قمری به پایان رسانده. شیخ آقابزرگ تهرانی نسخه‌های متعددی از آن را در کربلای معلی دیده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ هجری قمری، ج ۳، ص ۴۷۳ و ج ۱۸، ص ۱۶۶-۱۶۷)

۱۰. شیخ بهاءالدین محمد عاملی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ق)

شیخ بهاءالدین محمد عاملی دانشمند پرآوازه جهان تشیع، جامع معقول و منقول، ادب و عارف است. وی آثار متعددی در علوم و معارف گوناگون دارد؛ از آثار معروفش که صبغه‌ای

روایی، اخلاقی و عرفانی دارد کتاب الأربعین است که در آن چهل حدیث را برگزیده و به شرح کامل این احادیث پرداخته است. توضیحاتش درباره مفاهیم و مقاصد روایات و شرح لغات مشکل، ارزش فوق العاده‌ای دارد. او در اثر مذکور کتاب مشارق الانوار بُرسی را به عنوان منبع نقل روایات قرار داده است. (۱ بین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۳۴؛ قمی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۱۰۰؛ حافظ بُرسی حلی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۵)

۱۱. فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ق)

محدث، مفسّر، متکلم و متبحر در حکمت و الهیات، که ذوق ادبی خود را در قالب سروده‌هایی ارزنده، بروز داده است. یکی از آثار این دانشمند نامدار، کتابی است با عنوان، الکلمات المکنونه، این کتاب به فارسی و عربی در باب معارف اعتقادی و مباحث عرفانی تألیف شده است که در سال ۱۰۷۵ هجری قمری نگارش آن به پایان رسیده است. وی در این اثر از کتاب‌های شیخ حافظ رجب بُرسی مطالبی نقل کرده است. (فیض کاشانی، ۱۳۶۰ش، ص ۹۶؛ شیخی، ۱۳۷۴ش؛ ص ۲۴۷؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۱۱۹-۱۲۰)

۱۲. محمد بن ابراهیم قوا ی شیرازی (۹۷۹ - ۱۰۵۰ق)

محمد قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا و صدرالمتألهین، بنیانگذار حکمت متعالیه است. او حکیم، عارف، مفسّر، محدث و شاعر عصر صفویه بود که آثار متعددی در معقول و منقول تألیف کرده است. اما اثر معروفش اسفار اربعه نام دارد. او خطبه البیان را، که بُرسی در کتاب مشارق الانوار درج کرده و در رساله‌ای مستقل شرح داده است، در زمره فرموده‌های حضرت علی علیه السلام می‌داند و به فرازی از آن به عنوان سخن آن حضرت استدلال می‌کند. و درباره‌اش توضیحاتی می‌دهد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۰۱ق، ج ۷، ص ۳۲)

۱۳. مولا محمد تقی بن حیدر علی زنجانی (م ۱۱ق)

او شاگرد مولا خلیل قزوینی است؛ همچنین از مشاهیر قرن یازدهم هجری است که در کتاب خود با عنوان ریق النجاة از کتاب الدرّ امین بُرسی مطالبی آورده و آن را به حافظ

بُرسی نسبت داده است. (افندی اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۴۰؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۹)

۱۴. محمد بن محمود دهدار (حدود ۹۴۷-۱۰۱۶ق)

محمود دهدار از عرفای عصر صفوی است. همچنین فرزند ارجمندش محمود، متخلص به عیانی، معروف به دهدار است. هر دو از مشاهیر جهان اسلام و از مفاخر شیعه‌اند؛ هر کدامشان تألیفات متعددی در کلام، حکمت، علوم غریبه، عرفان و غیره به نظم و نثر دارند ایشان در آثار خویش متأثر از اندیشه‌ها و آموزه‌های بُرسی است. خواجه‌محمد، فرزند محمود دهدار آن‌چنان از حافظ بُرسی تأثیر پذیرفته، که هانری کربن می‌گوید: «او از نمایندگان بارز حکمت و عرفان شیعی و از تبار رجب بُرسی است». این موضوع به خصوص، در کتاب دُرّ یتیم - که به زبان فارسی و در موضوع عرفان و معرفت مراتب نفس است، مشهود است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۸۹-۹۰؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۳ق، ص ۴۳۳-۴۳۴؛ هانری کربن، ۱۳۷۳ش، ص ۴۷۵)

۱۵. ملا حن خطیب قاری سبزواری (م ۱۱ق)

ملاحسن سبزواری طیب مسجد گوهر شاد و ساکن در مشهد مقدس بود. شاعری منشی، عارف، آگاه از دانش اعداد و حروف و همگام با بُرسی بوده است. وی رساله‌هایی به زبان‌های فارسی و ربی تألیف کرده است؛ او اثری در شرح حدوث اسماء دارد، که متأثر از نگاه‌های بُرسی است.

یب قاری کتاب مشارق الانوار را به دستور شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) به زبان پارسی برگردانده، اما بخش اسرار حروف را حذف کرد؛ ولی خاطر نشان ساخته در این باره نمی‌توانم حق مطلب را ادا کنم. او هنگام ترجمه این اثر در متن تصرفاتی کرده و احادث و نکاتی بدان افزوده؛ در واقع ترجمه‌ای شرح‌گونه با عنوان مطالع الاسرار تدوین کرده است. تألیف این اثر در هیجدهم ذی‌حجه ۱۰۹۰ هجری قمری پایان یافت. آقابزرگ تهرانی می‌گوید: نسخه‌ای خطی از آن را با عنوان مطلع الاسرار فی شرح مشارق الانوار در

تهران نزد حاج صدر تفرشی مشاهده کردم؛ که پدید آورنده اش توضیح داده بود به مدت چهل سال در مشهد به عنوان خطیب مشغول فعالیت های ترویجی بودم و چون قصد زیارت عتبات عراق را داشتم، این شرح را نوشتم و به شاه سلیمان صفوی اهدا کردم. (افندی اصفهانی، ۱۴۱۰ق؛ ج ۲، ص ۴۴۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۱۴۲؛ همو، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۱۲۱؛ خوانساری، ج ۳، ص ۳۴۵)

۱۶. شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق)

این فقیه محدث و رجال‌نگار عصر صفوی، ضمن اشاراتی درباره شرح حال بررسی می‌گوید: «برسی علاوه بر مشارق الانوار رساله‌هایی در توحید هم دارد». اگرچه وی تصریح می‌د نکاتی گزافه در کتاب فوق دیده می‌شود، اما در ادامه سروده‌هایی را در مناقب اهل بیت علیهم‌السلام می‌تاید و نمونه‌هایی از آنها را می‌آورد. (شیخ حرّ عاملی، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۱۷)

شیخ حرّ عاملی در کتابی که پیرامون احاد قدسی به نگارش در آورده است، مکرر از شیخ حافظ رجب بررسی حدیث نقل می‌کند. وی بررسی را در رد ف محدثانی چون شیخ کلینی، ثقه الاسلام صدوق، علی بن ابراهیم قمی، شیخ طوسی، عبدا بن جعفر حمیری (صاحب قرب الاسناد)، فرات کوفی، ابوالفتح کراچکی و احمد برقی قرار می‌دهد؛ و از او به عنوان شیخ اجل و عارف محدث یاد می‌کند. (همو، ۱۳۸۴ق، ص ۲۲، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۹۶، ۳۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۵۲۴-۵۲۵، ۵۲۷، ۶۳۱، ۶۳۳)

۱۷. سیدهاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ق)

بحرانی مفسر امامی محدث، فقیه فاضل و دانشمند اهل دقت است. در کثرت تتبع می‌توان او را جانشین علامه مجلسی دانست. ریک از الیفاتش حاکی از دانشوری، احاطه علمی و تحقیقات گسترده‌اش می‌باشد. این عالم عامل و خود ساخته در دو کتاب خود به نام‌های معالم الزلفی و مدینه المعاجز از آثار بررسی روایاتی نقل می‌کند. از سیاق مطالبش در این کتاب‌ها چنین برداشت می‌شود، که به نوشته‌های این عارف محدث اعتماد دارد. (معروف حسنی،

۱۴۳۱ق، ص ۲۷۳؛ خوانساری، ج ۸، ص ۱۸۱؛ مدرّس تبریزی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۳۳) او یادآور می‌شود کتاب معارف زلفی درباره معارف اخروی و دنیوی در پنج بخش تدوین یافته و هر کدام از بخش‌ها، خود حاوی باب‌های متعددی می‌باشد؛ این اثر خاتمه‌ای دارد، که از لحاظ موضوع دارای صبغه‌ای روایی، اخلاقی و عرفانی است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۲۰۱)

۱۸. علامه شیخ محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ق)

این محدث الیقدر و دانشمند جهان تشیع، به برخی روایات مندرج در آثار بررسی انتقاداتی وارد می‌کند؛ اما او از کتاب‌های مشارق الانوار، الفین فی وصف ساده الکونین، لمعه کاشف و مفاتیح اغیب روایاتی نیز آورده است؛ این روایات به قول خودش موافق اخبار مأخوذ از منابع معتبر است و سلسله راویان آنان هویتی روشن دارند و متفرد نیستند. بر اساس بررسی‌های نگارنده، علامه مجلسی در ۲۵ جلد از کتاب بحار الأنوار، هنگام درج حدیث به کتاب مشارق الانوار بررسی مأخذ داده است و در جلد ۲۷، این ارجاعات فزونی می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۰؛ مرکز الدراسات و البحوث العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ ج ۲، ص ۳۹، ۴۰، ۴۴، ۴۴۵ و ۴۶۸)

۱۹. سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲ق)

او فرزند عبدالله، فرزند محمد جزایری، فقیه امامی، ادیب، مدرس و رجال‌نگار نامدار جهان تشیع است. وی در کتاب ریاض الجنه قسم ثانی از روضه چهارم، از بررسی یاد می‌کند. او در کتاب الانوار النعمانیه، در چند موضع احادیثی از کتاب مشارق الانوار آورده است (جزایری، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۵ و ۸۱؛ شبلی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۲۷؛ دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۱۰۴).

۲۰. شیخ احمد نحوی (م ۱۱۳ق)

ایشان فرزند حسن نحوی است، او و فرزندش، شیخ هادی (متوفی ۱۲۳۵ق)، از ادبا،

فضلا و مشر شیعه در قرن سیزدهم هجری به شمار می‌روند که به سروده‌های بُرسی توجه داشته‌اند. آنها سروده‌های بُرسی را به لحاظ سبک و قالب، محتوا و مضامین می‌ستودند. شیخ احمد و پسرش یخ هادی دو قصیده بُرسی را که درباره فضایل و مناقب اهل بیت رسول اکرم ﷺ است، تخمیس نموده‌اند؛ علامه امینی این قصیده‌ها را در کتاب الغدیر آورده است. (شیبی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۵۲؛ امینی، ج ۷، ص ۷۰-۷۱)

۲۱. محمدزمان عارف (م ۱۲۸۶ق)

محمدزمان عارف فرزند کلبعلی جلائر العارف خراسانی که در اشعار ساقی تخلص می‌کرد. عالم سخنور به کتاب مشارق الانوار حافظ رجب بُرسی توجه داشت؛ او تصمیم گرفت خلاصه‌ای از این اثر را تهیه کند؛ نسخه‌ای از متن خلاصه شده را که شخص مؤلف از ۱۲۳۱ تا ۱۲۳۵ هجری قمری تحریر کرده، شیخ آقابزرگ تهرانی در کتابخانه ملک تهران دیده است. (امینی، ۱۳۹۱ش، ج ۷، ص ۲۲۳؛ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱ش، ج ۱۱، ص ۷۱۴)

۲۲. سیدمحمد مهدی موسوی تنکابنی (م ۱۲۸۰ق)

از علما و مؤلفان عالیقدر قرن سیزدهم هجری است. تصانیف وی بیش از شصت جلد است؛ همین تألیفات نشانگر توان علمی، امعیت، ذهن کنجکاو و رو پژوهشی وی است. آثار وی غالباً به صورت خطی است که تنها سه جلد از آنها به چاپ ر یده‌اند. تألیفاتش برخی فارسی، ولی اغلب به زبان عربی است.

از پاره‌ای نوشته‌های وی این موضوع نمایان می‌شود، که تحت تأثیر عارف محدث، شیخ رجب بُرسی، بوده است. برای تألیف کتاب ریاض المصائب فی مصائب آل عبا^۱ مؤلف از نوشته‌های بُرسی بهره گرفته است. آن بزرگوار در ریاض المصائب هنگام تفسیر برخی آیات در فضایل معصومین علیهم‌السلام از کتاب الدر اشمین بُرسی نیز مطالبی آورده است. (آقابزرگ

۱. این کتاب در سال ۱۲۴۳ قمری تألیف شد، و بعد از ارتحال مؤلف در تبریز (۱۲۹۵ق) به چاپ رسید؛ این کتاب در پنج بخش نگاشته شده است که هر بخش به یکی از اصحاب عبا اختصاص دارد.

تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۳۷؛ سامی حائری، ۱۳۷۲ش، ص ۲۵۶ و ۲۵۹؛ دایرةالمعارف
تشیع، ۱۳۸۳ش، ج ۳، ص ۱۷۹)

۲۳. میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق)

میرزا حسین نوری، معروف به محدث نوری مازندرانی طبرسی، فقیه محدث، مفسر، ادیب
و از مشایخ اجازه حاج شیخ عباس قمی بود که در ترویج اعتقادات عه اثناعشری و نشر آثار
ائمۀ هدی علیهم السلام اهتمام فراوانی داشت. وی در کتاب معروف خود مستدرک الوسایل و مستنبط
المسائل در برخی بحث‌ها از کتاب مشارق الانوار روایاتی نقل کرده است. (حافظ بُرسی حلی،
۱۳۸۹ش، ص ۵۵؛ معلّم حبیب آبادی، ۱۳۹۶ق، ج ۵، ص ۱۴۶۱)

۲۴. آیت‌الله سید عبدالله شبّر (۱۱۸۸ - ۱۲۴۲ق)

او فرزند محمدرضا حسینی کاظمی، محدث امامی، متکلم و فقیه فرزانه است. ایشان از
ثقافت محدثین و عالمی وارسته، پرهیزگار و دارای خصال سندیده بود، که در حدیث، تفسیر،
اخلاق، کلام، اصول فقه و فقه تألیفات گرانمایی دارد. وی در کتاب الانوار اللامعه فی شرح
الزیارة الجامعه نه چندان مختصر و لمی مفصل فرازهای از این زیارت را شرح داده است؛
او در بخش‌هایی از این کتاب برای درج روایات مناسب موضوع بحث، به کتاب مشارق
الانوار مأخذ داده است، و این کتاب را هم ردیف محاسن برقی، کافی کلینی، بحار الانوار،
احقاق الحق و امالی صدوق قرار داده. او به این اثر اعتماد کامل داشت. (شبّر، ۱۳۶۷ش،
ص ۱۱ و ۲۱۲؛ خوانساری، ج ۴، ص ۲۶۱)

۲۵. آیت‌الله سید ناصرالدین حجّت (۱۲۹۷ - ۱۳۶۰ق)

سید ناصر فرزند سید هاشم حسینی نجف آبادی بود. ایشان حکیمی فرزانه و دانشمندی
وارسته بود، که آثار متعددی از وی در موضوعات تفسیری، ادبی، کلامی و فقهی باقی مانده
است. وی به اندیشه‌ها و افکار حافظ بُرسی توجه داشت و در آغاز کتاب مشارق الانوار، که
در کتابخانه‌اش نگاهداری می‌شده است، می‌نویسد: «ا بن کتاب ملک من است و اعتقادات این

حقیر با عقاید مؤلف آن به هم نزدیک و من مرید مندرجات آن هستم».

آری حجت حسینی نجف‌آبادی چنین اعتقاد ژرفی نسبت به مقام ولایت اهل بیت علیهم‌السلام داشت و در افقی از معنویت و عرفان پیر می‌کرد؛ او باور خویش را درباره آن بزرگواران با دیدگاه‌های اعارف شعی که مجذوب کمالات خاندان طهارت بود، همسو می‌دید؛ حتی می‌گوید: بُرسی در مواردی کوتاه آمده است. (مهدوی، بی‌تا، ص ۵۱۶؛ خزائلی، ۱۳۸۳ش، ص ۷۸-۷۹؛ نورمحمدی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۰۳-۱۰۴)

۲۶. علامه سیدجلال‌الدین آشتیانی (۱۳۰۴-۱۳۸۴ش)

حکیم، عارف و متکلم معاصر سیدجلال‌الدین آشتیانی که عمر خویش را در راه تحقیق و تألیف و تدریس متون فلسفی و عرفانی صرف کرده است، در برخی آثار خود به دفاع از تعالیم و آموزه‌های حافظ بُرسی می‌پردازد. وی در شرح مقدمه قیصری می‌نویسد:

مولانا حافظ رجب انارالله برهانه خطبه البیان حضرت علی علیه‌السلام را در کتاب مشارق الانوار آورده است؛ برخی این شیخ عارف را به واسطه نقل این نه مضامین رمی به غلو نموده‌اند؛ اینان اشخاصی هستند که از مقام ولایت و نحوه احاطه وجود ولی، بر کائنات بی‌خبرند، و این قبیل مطالب را غلو آ ز می‌دانند؛ در حالی که غلو امر دیگری است. در عین اثبات این شئون برای مقام ولایت، باید ولی را عبد مربوب دانست و برای او استقلال وجودی قائل نبود، و همه کمالات او را از حق دانست. در این خطبه و امثال آن مراتبی بر ائمه علیهم‌السلام ذکر شده است، که ما برای مقام ولایت بسیار بالاتر از آن را ثابت کرده‌ایم.

بسیاری از روایان اهل سنت، ا قبیل مضامین را در شأن حضرت علی علیه‌السلام از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند؛ البته فهم این قبیل روایات بسیار پیچیده است.

بُرسی احادیثی با مضامین بلند در شأن ائمه علیهم‌السلام نقل می‌کرد، به همین واسطه در زمره کسانی قرار گرفت که مورد اتهام غلو واقع می‌شدند. انکار این قبیل روایات به اعتبار مضمون و مدلول، انکار فضایل اهل بیت عصمت و طهارت و نفی مقام معنوی آنهاست. این حدیثی

که حافظ بُرسی در کتاب مشارق ذکر کرده و برخی محققان به آن استدلال کرده‌اند (از جمله عارف فیض کاشانی در کتب خود قسمتی از خطبه البیان و طَبَةُ طُنْجِيَه را از کتاب بُرسی نقل کرده است) نیز از این قبیل موارد می‌باشد. از این نوع مضامین در کلمات ائمه زیاد به چشم می‌خورد؛ اما کسانی که محروم از ادراک ذوقی هستند، چنین مضامینی را به دیده انکار می‌گیرند؛ این حقایق عرفانی، که بُرسی مطرح کرده است، منافاتی با توحید ذاتی، صفاتی و افعالی ندارد، بلکه اصل توحید، متفرع بر شناسایی ولایت است (آشتیانی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۷۸-۲۷۹، ۳۸۷ و ۶۵۴)

۲۷. علامه سیدمحمدحسین ن تهرانی (۱۳۴۵-۱۴۱۶ق)

سیدمحمدحسین فرزند سیدمحمدصادق تهرانی و از شاگردان خاص علامه طباطبایی است. او در نگاشته‌هایی چون امام شناسی، معاد شناسی، الله شناسی، نور ملکوت قرآن، انوار الملکوت و یادنامه‌هایی که برای شخصیت‌های اخلاقی و عرفانی به رشته نگارش در آورده است، به آثار بُرسی توجه دارد. او از اندیشه‌های بُرسی در دفاع از حریم ولایت جانب‌داری می‌کرد. (آیت‌نور، ۱۴۲۷ق؛ زنگنه، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲)

علامه تهرانی در کتاب روح مجرد، بحث‌های مفصلی در شریح افکار و سروده‌های بُرسی دارد. او در برابر رجال‌نگارانی که این عارف محدث را مورد تهاجم فکری و فرهنگی قرار داده‌اند، موضعگیری می‌کند و می‌گوید: «حمله به این ادیب و عالم شیعه، مبارزه و مخاصمه با مرزبانان حریم ویت می‌باشد». (حسینی تهرانی، روح مُجَرَّد، ۱۴۳۲ق، ص ۲۴۴، ۳۹۴، ۴۰۷، ۴۱۱-۴۱۷)

۲۸. علامه حسن‌زاده آملی (۱۳۰۷-۱۴۰۰ش)

این عالم عالی‌قدر در برخی آثار خود به نوشته‌های بُرسی استناد می‌کرد. وی در خاتمه رساله وحدت از دیدگاه این عارف و حکیم می‌نویسد:

به عنوان خاتمه به نقل تفسیری از سوره توحید تبرک می‌جوئیم، که آغاز آن مقاله‌ای در تفسیر کلمه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم است؛ بعد از آن رساله‌ای

به لفظ اندک و معنا بسیار تألیف صاحب کتاب مشارق انوار الیقین شیخ حافظ رجب بن محمد بُرسی حلی را می آورم. نسخه‌ای مخطوط از آن، در تصرف نویسنده است. (حسن زاده آملی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۱۹).

ایشان ضمن تدریس فصوص الحکم گفته است: «اگر به زبان روایات مانوس باشیم، خواهیم دید مندرجات کتبی چون مشارق الانوار و تفسیر فرات کوفی صحیح است؛ در این آثار گزافه‌گویی دیده نمی‌شود» (یطی، ۱۳۷۹ش، ص ۶۳)

این عارف وارسته در جای دیگر می‌نویسد:

در اصول کافی یازده حدیث درباره انسان کامل است، که در هر کدام از آنها باید دقت شود؛ در حدیث هشتم حضرت علی ع فرموده‌اند: «ا عین الله، انا یدالله و انا جنب الله و انا باب الله». (کلینی رازی، ۱۳۷۹ش، ج ۸، ص ۱۱۱)؛

هاشم بن ابن عماره جنبی فرمود: «از امیر مؤمنان ع شنیدم که می‌فرمود: منم عین الله، منم یدالله، منم جنب الله و منم یدالله، روایات این باب مصدق همه روایات کتاب مشارق الانوار شیخ اجل جناب حافظ رجب بُرسی است». (حسن زاده، ۱۳۶۲ش، ص ۹۶)

چنین علامه حسن‌زاده آملی روایتی را از کتاب مشارق الانوار بُرسی نقل می‌کند، که دلالت بر کمال قابلیت کمیل بن زیاد نخعی دارد و او با این ظرفیت بالا توانست معارف عرشی را از ولی خدا امیر مؤمنان ع دریافت کند؛ سپس ایشان می‌افزاید این حدیث در مصادر دیگری چون حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی، غیبت نعمانی، امالی شیخ طوسی، اربعین شیخ بهائی و بحار الأنوار علامه مجلسی دیده می‌شود. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۴ش، ص ۶۶-۶۷)

آن عالم ذوفنون ذیل کلمه ۶۳۷ می‌نویسد: «این کلمه رساله‌ای گرانقدر در تفسیر سوره مبارکه اخلاص می‌باشد، که خود تألیف عالم جلیل بُرسی است؛ نسخه‌ای خطی از آن در کتابخانه این داعی موجود است، به نقل آن در کتاب هزار و یک کلمه تبرک می‌جوییم».

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۸ش، ج ۷، ص ۵)

این حکیم عارف که نخستین سخنران مراسم یکصدمین سالگرد ملت حکیم جلوه در

زواره (۳۰ ارد بهشت ۱۳۷۳ش) بود، بعد از ظهر همان روز بر سر مزار حافظ بُرسی در سیزده کیلومتری شمال شرقی اهر حاضر شد و ضمن قرائت فاتحه برای او، در وصف کمالات این عارف محدث، نکاتی بر زبان آورده و افزود: «ای کاش می توانستم یک ارعینی در جوار مرقد او به ذکر و عبادت مشغول شوم و در این مسیر از روح پاک اهر عالم شیفته اهل بیت مدد گیرم». (گلشن جلوه، ۱۳۷۵ش، ص ۲۰۶)

۲۹. آیت الله شیخ حسین مظاهری (متولد ۱۳۱۲ ه.ش)

آیت الله مظاهری استاد اخلاق حوزه و رجوع تقلید در برخی آثار کلامی و عرفانی به کتاب مشارق الانوار بُرسی توجه می کند. ایشان در مواردی برای اثبات ضایل و مقامات ائمه هدی علیهم السلام به این اثر استناد می کند؛ از جمله این روایت را از بُرسی نقل می کند، که وقتی حضرت امام رضا علیه السلام به شهادت رسید، حضرت جواد الائمه علیه السلام به مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه آمد و بر فراز منبر فرمود:

من محمد فرزند علی بن موسی الرضا، جوادم، دانای به نسب های همه مردم هستم، افرادی که به دنیا آمده اند یا هنوز متولد نگردیده اند. من آگاه تر از شما به ظواهرتان و باطن هایتان می باشم، این علم را قبل از خلقت عالم هستی داشته ام و بعد از فنای آن نیز داریم اگر نبود ظاهرنمایی اهل باطل و دولت اهل ضلال یه ما، و اگر نبود تردیدهای مردمان عوام، حقایقی بر زبان می آوردم که همه شگفت زده شوند.

سپس امام جواد علیه السلام دست بر دهان مبارک خود نهاد و فرمود: «ای محمد ساکت باش چنان که پدرانت خاموش بودند». (مظاهری، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۴-۱۴۵)

معظم له در اولین درس از مباحث معرفت نفس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله این حدیث را نقل می کند. «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و از منابع این حدیث کتاب مشارق الانوار الیقین بُرسی را معرفی می کند و این کتاب را هم ردیف آثاری چون بحار الانوار، غرر الحکم، عوالی اللئالی، مناقب خوارزمی و مصباح الشریعه قرار می دهد. (همو، ۱۳۹۷ش، ج ۱، ص ۱۷)

۳۰. آیت‌الله شیخ عبدالله جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲ ش)

ایشان در مهم‌ترین اثر خود یعنی تفسیر تسنیم در مستند نمودن برخی مباحث و روایات، کتاب معروف حافظ بُرسی، یعنی مشارق الانوار، را مأخذ قرار داده است. وی در تفسیر سوره حمد، ذل معارف قرآن در بسم الله، این روایت را به نقل از مشارق الانوار که فرموده امیرمؤمنان علیه السلام است، درج می‌کند: «عن امیر ائمه علیهم السلام انا نقطه تحت الباء». آیت الله جوادی آملی می‌افزاید:

برخی این سخن را نوعی غلو دانسته‌اند! در پاسخ به آنان باید گفت: قرآن کریم جامع حقایق و اسرار عالم است اما این معارف تنها از ظواهر آن استفاده نمی‌شود بلکه مستفاد از خواص حروف یا بطن‌های قرآن است که تنها در دسترس پیر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت اهرین علیهم السلام می‌باشد، سخن حضرت امیر ائمه علیهم السلام که فرمود علم آینده و حدیث گذشته در قرآن است، و من سخنگوی قرآنم، اشاراتی به این واقعیت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳)

معظم‌له در تفسیر آیه ۱۸۷ سوره اعراف، با استناد به مطلبی از مشارق الانوار، می‌گوید: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و عترت اهرین علیهم السلام هر آنچه را مصداق ظهور حق است می‌داند، هر چند از اسمای مستأثره الهی باشد که ظهور کرده است». (همو، ۱۳۹۲ ش، ج ۳۱، ص ۴۲۷)

این مفسر گرامی در تفسیر آیه ۲۶ سوره یوسف، تصریح می‌کند: در قرب فرائض تمامی نیروهای ادراکی و تحریکی بنده خدا مجاری اوصاف فعلی معبود گردیده و خداوند به زبان‌ش سخن می‌گوید و به چشم او می‌نند و در این باره به فرازی از خطبه ابیان مندرج در مشارق الانوار استناد می‌یابد و اضافه می‌کند اگر در سند این خطبه خدشه‌ای نباشد مشکل دلالتی و متنی ندارد. (همو، ۱۳۹۵ ش، ج ۴۰، ص ۳۸۱)

تیر تهمت

شیخ حافظ، رجب بُرسی، ابتدا شگفتی‌های مربوط به فضائل ائمه علیهم السلام - به خصوص رازهای مکارم حضرت علی علیه السلام - را در شهر حله بر منبرها به صورت سخنرانی بیان می‌کرد. او که

در شناخت مناقب اهل بیت علیهم السلام بر اثر تحقیق و پژوهش به مراتب بالایی دست یافته بود و گرایش‌های عمیقی به معارف سرفی داشت، به تبلیغ در این عرصه ادامه داد. برخی تنگ‌نظران با حرکت‌های رشک‌آلود، درباره‌ی وی نشر شایعات و اکاذیب پرداختند؛ ایشان کوشیدند بدبینی و نفرت بزرگان حوزه حله را علیه او برانگیزند. گویا نقشه‌های ایذایی آنان موثر واقع شد و در محافل گوناگون چنین اشاعه دادند، که سخنان بررسی مبالغه‌آمیز، تند و ناشی از احساسات غلیظ اوست. (یبی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۵۳-۲۵۶)

در میان وی در برابر مخالفان و اهل عناد موضع می‌گیرد و می‌گوید: «به خداوند متعال از گزند حسودان و اهل نیرنگ پناه می‌برم» (حافظ بررسی حلی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۷) در جای دیگری خاطر نشان کند: «آن بینی دراز به من روی می‌آورد، همچون ریدی به دیدارم می‌آید تا احادیث منسوب به امیرمؤمنان علیه السلام را بشنود. اما وی فضایل حیدر کرار را تکرار می‌کنم، او را عصبانی می‌بینم». (خاقانی، ۱۳۲۷ش، ج ۲، ص ۳۷۲)

او در سروده‌ای، که ترجمه‌اش بین است، تصریح می‌کند:

درباره‌ی من سوء ظن برده‌اند با آنکه برخی گمان‌ها گناه است، و مرا مورد شناعة قرار داده‌اند، که مدح یم در خصوص عترت نبی اکرم صلی الله علیه و آله از حدّ متداول تجاوز کرده است؛ سوگند به خداوند که وصف من درباره‌ی آن ذوات مقدس خارج از اندازه نمی‌باشد. ولی چه می‌شود کرد، که آن بزرگواران در محاسن و خوبی‌ها از میزان معمولی بالاترند. (حافظ بررسی حلی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۳۷)

بررسی در خاتمه کتاب معروف خود، مشارق انوار الیقین، می‌یسد:

حسودان و ملامتگران هر کدام با نگاهی خشمناک و رفتاری خشن به من نگریستند، درحالی که من در بیان و تدوین حق، از مخالفان هراسی ندارم، خلافتی مرتکب نشده‌ام، جز آنکه بار سنگین محبت علی علیه السلام را با خود حمل می‌نمایم؛ صفحاتی از اسرار آن حضرت را انتشار دادم، به باید در آن راه سختی‌ها و مصائبی را تحمل کنم.

اهل عناد بزرگترین حسنه و روزنه نجات را، گناه می‌دانند. این روشی، که برگزیده‌ام شیرین‌تر از نسیم زندگی است؛ بر اثر سرزنش‌ها از این برنامه دست بر نمی‌دارم. سوگند به خداوند، محبت من در حق او گزافه نمی‌باشد؛ بلکه او در خصالی که دارد، در افق‌های والاتری، قرار گرفته. از ملامت‌ها خوفی به دل راه نمی‌دهم و با زبان اهل معرفت و اشتیاقی جان سوز می‌گویم: از روی حسادت مرا به خاطر ان ارادت، سرزنش می‌کنند؛ من از خصم خشمگین نمی‌ترسم، و همچنان را حه ولایت را لمس می‌کنم. بر اثر محبت سرشار خاندان طهارت، ناگزیر گردیدم در حاشیه انزوای روم و فهمیدم خیر و صلاحی در عزلت است؛ به خصوص در فاصله گرفتن از مردمی که جاسوس عیوب دیگران‌اند مصمم گردیدم، آنها لباس حسادت بر تن دارند، و با آن هر گونه نیکی و خوبی را می‌پوشانند؛ محاسن را مخفی می‌کنند، و ناروایی‌ها را اظهار می‌نمایند؛ دوست دارند زشتی‌ها منتشر شود؛ در واقع چون عده‌ای به فضیلت‌های آن فروغ‌های فروزان حسادت می‌ورزند، مرا مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند.

من به آنچه در حق من انجام داده‌اند، شادمانم. اگر در این راه حتی جام مرگ را بنوشم، قلبم به ساقی محبت (امیر مؤمنان ع) نه نمی‌گوید؛ و اگر در این راه مرگم برسد، حیات من است؛ زیرا محبت به علی ع و جانشینان او بر من فرض است و توشه روز احتیاجم می‌باشد. وقتی خواستم از ضایل و مکارم علمی ضی سخن بگویم، گفتند غلو نگو، گفتم او آیتی از خداوند متعال است، که در گفته‌های خود به وصفش می‌پردازم، آخر ای سرزنش کننده، چرا آن قدر با من جدال می‌نمایی، وقتی که درباره حقیقتی به یقین رسیده باشم، ملامت تو برایم ایت ندارد، ان محبت توأم با معرفت، عین کمال است؛ من با آن دین خود را امل می‌نمایم؛ توشه‌ام در سرای جاوید و پناه و آرزویم می‌باشد. (همو، همان، ص ۳۵۰-۳۵۲)

بنابراین بُرسی، در زمان حیاتش متهم به غلو بوده است؛ کم نبودند، افرادی که وی را متهم

می‌کردند یا با وی عناد داشتند یا اینکه مفاهیم گفته‌ها و نوشته‌هایش را درک نمی‌کردند. او هم در برابر این‌گونه افراد موضعی استوار می‌رفت و به تهمت‌های آنها این‌گونه پاسخ می‌داد: «من در زمره غالیان نمی‌باشم»؛ (افندی اصفهانی، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۳۹) چنان‌که در چند موضع مشارق الانوار به این مطلب اشاره کرد؛ او خود را از گزافه‌گویی و افراط‌گری در حق ائمه مبرا می‌دانست، و به صراحت کسانی که برای بندگان خدا مقام ربوبی قائل شده‌اند غالی می‌شمرد. چنین افرادی فرایض دینی و واجبات شرعی را ترک کرده‌اند. (حافظ بُرسی حلی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۴، ۱۵، ۶۹، ۴۱۰، ۴۲۲)

بررسی درباره فرقه‌های مسلمان بحث مبسوطی دارد؛ سه گروه از آنها را اهل غلو می‌داند، که خود به نه فرقه منقسم می‌شوند. آنگاه می‌گوید: «این‌ها در عقاید خود نکاتی کفرآمیز دارند؛ خالق و مخلوق را با هم یکی می‌کنند و تکلیف‌های عبادی را از مسلمانان ساقط می‌دانند».

بُرسی در برابر این باور باطل و گمراه‌کننده موضع می‌گیرد و می‌گوید: «خرد پاک و سالم، آدمی را به اطاعت از خداوند فرا می‌خواند؛ زیرا او مالک هستی و نعمت‌دهنده است». بُرسی ادامه می‌دهد: «سبائی‌ها، که به ۲۳ فرقه تقسیم می‌شوند، غلوگو هستند؛ زیرا عقیده دارند رسولان مردم را به امیر مؤمنان علیه السلام دعوت کردند؛ هر کس او را خالق و رازق خود بداند، تکالیف شرعی از عهده‌اش برداشته می‌شود». بُرسی این عقیده و تفکر را کفر محض می‌داند. سپس دیدگاه خود را چنین مطرح می‌کند:

حضرت علی علیه السلام عبد خداوند و مولای پرهیزگاران است؛ بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله افضل افراد امت می‌باشد، زیرا از همه عالم‌تر، پارساتر، شجاع‌تر و مقرب‌تر به پسر است. او معصوم و واجب‌الاطاعه می‌باشد؛ این ویژگی از سوی پروردگار بزرگ به وی اعطا شده و تصریحی از جانب پادشاه و مهربان است، هر یک از ائمه برترین اهل زمان خود هستند، آنها نور واحدند، معرفتشان واجب و اطاعتشان لازم است؛ برتری امامان اثناعشر روشن‌تر از خورشید است، چه در

زمان حیات و چه در زمان شهادت. حرم‌های آن وجودهای مبارک پناهگاه مردم و تکیه‌گاه دعا کنندگان است؛ پیروان واقعی آنان اهل نجاتند.

من در زمان خودم کسی را دیدم که عالم بود و اهل ادعا، کسی از او پرسید آیا ایر مؤمنان علیهم‌السلام غیب می‌داند او در پاسخ وی گفت: «کسی جز خدا دانش غیبی را نمی‌داند»؛ مدتی بعد دیدم که همین آقای دانشور، کاهنی را تصدیق کرد و با وجود آنکه مقداری اکاذیب تحویلش داد، باورش شد و به او ایمان آورد! آری، آن مرد مدعی علم و معرفت، این کاهن را قبول داشت، که طالع او را بر اساس رمل انداختن تعیین کرد، اما امام معصوم را انکار نمود، که به اذن خداوند از غیب اطلاع دارد؛ امان خود را به دروغ فروخت؛ کدام ایمان؟! وقتی در فرموده‌های الهی تردید دارد؛ اما گزافه‌های آن دروغگو را می‌پذیرد.» (همو، ۱۴۲۲ق، ص ۳۲۵-۳۶۳)

یهی است ا نگرش بُرسی نه تنها بوی غلو نمی‌دهد بلکه مأخوذ از منابع روایی معتبر و فرموده معصومین است. با این وجود عده‌ای از معاصرانش چنان، از اظهارات و آموزه‌های وی بر آشفتند که نزد علما از او به بدگویی و مذمت پرداختند. تا فشارها و اتهامات علیه این عارف محدث آغاز شد، او ناگزیر شد رساله‌ای در موضوع توحید و تنزیه و تجرید خداوند، و کمال آفرینش او، بنویسد، و به مخالفان ثابت کند که وی به یکتایی و احدی بودن پروردگار متعال عقیده دارد. آنگاه این نوشتار را در آغاز کتاب مشارق الانوار قرار داد تا معاندان و حسودان را خاموش کند و درستی دیدگاه‌های خویش را ثابت کند. (همو، ۱۴۲۲ق، ص ۱۳-۲۲)

یادآور می‌شود غلات یا اهل غلو کسانی هستند که درباره حضرت علی علیه‌السلام و سایر ائمه آنچنان افراط می‌کردند، که ویژگی‌هایی همچون الوهیت به آن بزرگان نسبت می‌دادند. مولای متقیان فرمودند: «دو گروه در هلاکتند، محبی که غلو کند و دشمنی که کوتاه آید». (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۹۲ق، ج ۵، ص ۱۲۹)

حافظ بُرسی خود را مصداق این عبارت می‌داند که: «درباره امامان، از باورهای اهل

غلو اجتناب کنید؛ آنگاه درباره آنها هر چه می‌توانید بگویید». (حافظ بُرسی حلی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۲). او وصف فضایل و مناقب ائمه علیهم‌السلام را از دیدگاه اهل افراط و تفریط محکوم می‌کند، و متذکر می‌شود: «عصومین فرموده‌اند تنزل دمد ما را از مقام ر بیت و لا ببرید ما را از حظوظ بیت و ما را قیاس به احدی نکنید». (همو، ۱۴۲۲ق، ص ۱۷۲).

برخی انتقاد به بُرسی و وجود برخی اشکالات در آثار او را به دیگر منابع و مصادر شیعه میم داده‌اند و نوشته‌اند: از زمان انتشار اخبار مفضل بن عمر و جابر بن یزید جعفی در میان شیعیان و تدوین مقداری از آنها در کتاب بصائر الدرجات صفار، الی شیخ طوسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه اربلی، خرائج راوندی، فضل بن شاذان قمی و پسران او و یا افرادی همچون ابن بطریق اسدی حلی، سید رضی، سید بن طاووس و بعضی از فضلالی بحرین و قم که در آثارشان تفاسیر غلات و اهل ارتفاع را درج نموده‌اند. هر کسی با این نغمه‌ها دمساز گردید حدیث و تنابی نوین را ابداع نمود تا آنکه نوبت به بُرسی رسید و راجع به این مسایل کتاب نوشت. (نک، خوانساری، ج ۳، ص ۳۲۳-۳۲۷)

هاشم معروف حسنی، ویسنده لبنانی پا را از این مسایل فراتر می‌برد و عقیده دارد، نه تنها شیخ رجب بُرسی - آنگونه که از کتاب مشارق انوار ایقین وی بر می‌آید - غلو و افراط در صفات را به ائمه هدی نسبت می‌دهد، بلکه در آثاری چون کافی کلینی، اکمال الدین صدوق، مناقب ابن شهر آشوب، وای فیض کاشانی و مدینه المعاجز سیدهاشم بحرانی روایاتی دیده می‌شود که از ساخته‌های غلات است. در سلسله سند این احادیث راوی دروغ یا منحرف دیده می‌شود، که جعلی بودن آنها را ثابت می‌کند؛ ضمن اینکه از نظر محتوا و مضمون خدشه دارند. (معروف، ۱۳۷۲ش، ص ۲۸۱، ۳۰۳، ۳۱۱، ۳۲۴ و ۳۳۲)

اما این عالم اهل لبنان در جای دیگر دیدگاهی را مطرح می‌کند، که نقض‌کننده چنین ادعایی است:

عادلان و منطقی نیست، تمام علما را در قبال موضوعی که فردی آن را پذیرفته است، متهم کنیم. خطای او را نباید در کارنامه دیگران منظور کنیم چنان که دکتر

صطفی شیخی و نویسندگان دیگر مرتکب این خلاف شدند. آنها انحراف‌های فرقه‌های گمراه را ر شیعه تحمیل کردند؛ تنها به این دلیل که گروه‌های مذکور مزورانه خود را در صنوف شیعه گنجانده‌اند. (همو، ۱۳۶۹ش، ص ۲۰۳)

در مقابل این موضع‌گیری‌ها، علامه شیخ عبدالحسین امینی به دفاع از بررسی می‌پردازد؛ او می‌نویسد: «اینکه گفته‌اند در نگارش‌های او آشفتگی و رنگی از تندروی دیده می‌شود شالوده‌درستی ندارد. ما چندی از تألیفات او را بررسی کردیم، ولی در آنها پریشان‌گویی ندیدیم، تندروی‌هایی که برخی می‌گویند او دارد چگونه می‌توان یافت؛ آن‌گذا گویی‌هایی که در وی سراغ دارند کجا درج شده است. بررسی در نوشته‌های خود همان راهی را پیموده، که در سروده‌های پذیرفتنی و پاکیزه و حاوی ستایش‌های نیکو از ائمه، رفته است. پس آن گفتارهای زیانباری که برخی چون سید محسن امین، صاحب اعیان‌الشیعه، پنداشته‌اند، چه کسی بر این عارف محدث بسته است. (نک: امین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۵۶-۲۶۶)

علامه مامقانی (مامقانی، ج ۲۷، ص ۲۳۱) و رجال‌نگار معاصر بروجردی جاپلقی (بروجردی جاپلقی، ج ۲، ص ۱۶۲) نیز بررسی را از هر گونه غلوی تبرئه کرده‌اند. بررسی در محورها و موارد زیر مورد انتقاد بوده است:

۱. آموزش‌های شگفت

تسلط بررسی به معارف سرّی، رازهای پیچیده و علوم غریبه باعث شد عده‌ای گفته‌ها و نوشته‌های او را برنتابند. در صورتی که او می‌خواست از این رهگذر برتری‌ها، سرافرازی‌ها، افتخارها، منش‌ها و مقام‌های خاندان طهارت را (که پروردگار متعال به ایشان بخشیده، و رسول اکرم ﷺ بر آنها تأکید و تصریح داشت) در حد توان به تمام حق جویان نشان بدهد. او منزلت‌ها و جایگاه‌هایی را مطرح می‌کند که دگران چنین برداشت‌هایی را از مقامات ائمه اطهار نمی‌کنند؛ در نتیجه او را در زمره تندروها معرفی می‌کنند. به علاوه بررسی می‌خواست با شیوه‌های مذکور تلاش‌های مخالفان شیعیان را خنثا کند؛ چراکه آنها نیز از چنین شیوه‌هایی استفاده می‌کردند.

در روایتی آمده است که ائمه هدی علیهم السلام فرموده‌اند: «به راستی سخن ما دشوار و پیچیده است؛ کسی آن را بر خود هموار خواهد کرد، که ایمان آورده و خداوند دلش را در ایمان آوردن و باور داشتن آزموده است.» (کلینی رازی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۲۱۶؛ نهج البلاغه، فرازی از خطبه ۱۸۹؛ صفار قمی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۶)

علامه انبلی می‌گوید: «با این وصف نباید به مذمت علمای هم‌کیش خود پردازیم و کسی را که نتوانسته است به این پایگاه برتر دس یابد، وهش نمی‌نمائیم.» (امینی، ۱۳۹۱ ش، ج ۷، ص ۵۲).

خود بررسی می‌گوید: «ای حافظ اسرار نهفته را فاش کردی، اکنون بیجه‌اش را بر خود هموار کن، مرغی آسمانی باش که با خلوت مأنوس است؛ زیرا به روزی گرفتار شده‌ای که بر تو رشک می‌برند، و تو را می‌رانند و نشانه تیر کینه می‌گردانند.» (حافظ بررسی حلی، ۱۴۲۲ ق، ص ۲۲۶).

۲. روایات منحصر بفرد

در آثار بررسی، به خصوص در مشارق الانوار، روایت‌هایی دیده می‌شود که منحصر به اوست؛ این روایات در متن حدیثی دیده نمی‌شود. بخش دیگر ناشی از شرح‌هایی است که وی برای برخی روایات، نوشته است.

درباره تفرد در نقل احادیث از جمله روایات بلندی چون خطبه البیان و خطبه ططنجیه، اولاً باید توجه داشت که وی به منابع متعدد و متقدم شیعه دسترسی داشت و به کمک مشرب عرفانی و آگاهی از اسرار حروف بر برخی روایت‌ها شرح‌هایی نگاشته است؛ (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱۱، ص ۷۱۵)

ثانیاً این گونه خطبه‌ها در منابع و کتب دیگر دیده می‌شود. (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، ص ۲۷)

ملا صدرا، که از بهترین شارحان کتاب شریف اصول کافی است، خطبه البیان را در زمره احادیث حضرت علی علیه السلام دانسته و به فرازی از آن به عنوان فرموده آن امام همام استدلال

می‌کند و آن را شرح می‌دهد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۰۱ق، ج ۷، ص ۳۲)

این خطبه را شمس‌الدین محمد معروف کاشانی به نظم فارسی در آورده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه حکیم ربانی و فقیه فرزانه، آیت الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، نگهداری می‌شده است. محتوای آن نیز درست و استوار است و به و مله روایات دیگری که دارای ضامین بلندتر و کامل‌تر است، صحت آن تقویت می‌شود. البته فهم این گونه احادیث در نهایت سختی است؛ از این رو امثال بررسی وقتی احادیثی در بیان و منزلت ائمه، که دارای مضمون عالی است، آوردند متهم به غلو شدند اما بعدها متاخرین از اهل رجال و بزرگان دانش درایه و حدیث آنها را از ثقات شمرده و رمی ایشان را ناشی از تصور و درک نادرست از متن حدیث دانستند. به علاوه برخی محققان به این گونه روایات استدلال می‌کنند. (آشتیانی، ۱۳۷۰ش، ص ۶۵۲-۶۵۳)

ثالثاً این گونه مفاهیم در فرموده‌های ائمه هدی علیهم‌السلام، به وفور دیده می‌شود. امام خمینی رحمته‌الله فرموده‌اند: «شما این زیارت رجبیه را بخوانید، زیرا در آن مقام‌هایی برای اولیای الهی ذکر گردیده است؛ از جمله: «لا فرق بینک و بینها الا انهم عبادک»؛ «هیچ تفاوتی بین تو (ای خدا) و آنها نیست جز آنکه آنان بنده‌ات می‌شند».

امام بر این موضوع تأکید داشت و می‌گفت تمام نیروهای الهی در دست ائمه است؛ بعد توصیه کرد که این زیارت را بخوانید، تا اگر چیزی از مقامات آن وجودهای مبارک را برایتان نقل کردند، احتمالش را بدهید و تکذیب نکنید. (ستوده، ۱۳۸۱ش، ج ۴، ص ۲۳۱)

امام خمینی در رقی شخصیت حضرت علی علیه‌السلام می‌رماید:

تمام اسما و صفات الهی برای ظهور و بروز، در دنیا و عالم بالا با واسطه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و در این شخصیت ظهور کرده است. ابعاد گوناگونی که آن شخصیت بزرگ دارد به گفت‌وگوی ماها و به سنجش بشری در نمی‌آید. کسی که انسان کامل و مظهر جمیع اسماء و صفات حق تعالی است، ابعادش به حسب اسماء حق تعالی باید هزارتا باشد و ما از عهده بیان حتی یکی‌اش می‌توانیم برآیم». (امام خمینی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۲، ص ۲۲۱).

۳. زیارتنامه

بر بررسی خُرده گرفته‌اند که با انشای خودش درودنامه‌ها و زیارتنامه‌هایی برای اهل بیت علیهم‌السلام تنظیم کرده است. این آثار را برخی علما از نظر سبک ظاهری، شیوه ادبی و ضامینی که در بردارند، ستوده‌اند. عده‌ای ضمن معرفی آنها، نوشته‌اند در نهایت ارزش قرار دارد و حاوی فصاحت، لطافت و ظرافت است. (افندی اصفهانی، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۲۳۵)

ان ایرادها در صورتی پذیرفتنی است، که حافظ رجب بُرسی هنگام نگارش این متون این تصور و گمان را برای خوانندگان ایجاد کند، که آنها از نصوص و مآثری است که از ائمه هدی علیهم‌السلام به ما رسیده؛ و گرنه چه عاملی ما را از این واقعیت باز می‌دارد که هر کس درودها و زیاراتی را همانند خداوند متعال بر زبانش جاری ساخته، البته بدون اینکه ادعا کند از معصومین علیهم‌السلام نقل شده، یا مدعی شود چنین متونی در زمره سنت‌های دینی به شمار می‌رود؛ به علاوه بسیاری از علما و شاهیر عامه و خاصه، قبل و بعد از بُرسی، همین شیوه را پیش گرفته و بیچ کدام از دانشوران امت مسلمان آنان را ملامت نکرده‌اند. (امینی نجفی، ج ۷، ص ۵۵).

فرزند فاضل و فرزانه

از تشکیل خانواده و تعداد فرزندان حافظ بُرسی آگاهی دقیق و مستندی به دست نیامد؛ اما قرائن و شواهدی مؤید آن است، که رجب بُرسی حلی فرزند دانشوری به نام ابوطالب احمد، ملقب به شیخ جمال‌الدین داشته است. البته برخی شرح حال‌نگاران تصور کرده‌اند ابوطالب بُرسی و احمد بُرسی دو نفرند. احمد بن رجب بُرسی در دهکده برس متولد شده است؛ او مدارج علمی را نزد پدر و جمعی از علمای حله و حائ شریف طی کرد و در زمره محدثان و مشاهیر شیعه در قرن نهم هجری به شمار آمد. ابوطالب احمد از احفاد شیخ تقی‌الدین حسن بن علی بن داوود حلی صاحب رجال ابن داوود است (دایره‌المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۷۸؛ گلی‌زواره، ۱۳۷۹ش، ص ۲۵).

علامه مجلسی دوم در کتاب دعای بحارالانوار، دعای جوش صغیر را درج می‌کند؛

دعایی که منسوب به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و او از پدرش امام صادق علیه السلام و وی از پدرانش تا امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است. مجلسی بعد از ذکر این دعا، عباراتی را که در برخی نسخه‌ها مندرج است، می‌آورد: «این نویسنده» میرالی‌الله تعالی ابوطالب فرزند رجب می‌گویم: دعای جوشن صغیر، اخبارش و نیز فضل آن را در یکی از کتاب‌های جد سعیدم، تقی‌الدین حسن بن داود، فتم». مجلسی که این دعا را از کفعمی نقل می‌کند بعد از نقل قول کاتب می‌گوید: «اگرچه دعای مذکور در مهج الدعوات سعید بن طاووس آمده ولی کلام وی نمی‌باشد؛ بلکه از فرزند رجب می‌باشد، که در کتاب مصباح کفعمی هم آمده است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۳۹۷)

بیخ آقابزرگ تهرانی از توصیف علامه مجلسی درباره ویسنده دعا به شیخ‌احمد، فرزند شیخ رجب، این نه استفاده می‌کند که او از علماست و احتمال داده است، او پسر رضی‌الدین، رجب بن محمد بن رجب بُرسی، صاحب مشارق الانوار و نواده دختری ابن داوود حلی باشد. (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۷ و ص ۷۰-۷۱؛ همو، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۲۸۷)

کفعمی در حواشی کتاب مصباح خود شکل مشهور و منظوم در شعر خمس هآت و خط فوق خط معروف به شرف الشمس را از ابوطالب احمد بُرسی نقل می‌کند (سخاوی، ۱۳۰۲ق، ج ۷، ص ۸۵؛ دایره‌المعارف شیعی، ج ۳، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ گلی‌زواره، ۱۳۷۹ش، ص ۲۵)

هجرت، رحلت و مدفن

حافظ بُرسی همان‌گونه که از نوشته خودش معلوم می‌شود، یکی از آثار خویش را در سنین جوانی، در سال ۷۶۸ قمری به رشته تألیف در آورده است. (حافظ بُرسی حلی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۳۲) به نظر می‌رسد از بین ایام آتش رشک‌ورزان بر افروخته می‌شود و شعله‌های آن برای وی دشواری‌هایی به وجود می‌آورد. گویا به د فاش نمودن اسرار و شکافتن رموزی از مقامات اهل بیت خاتم‌الأنبیاء صلی الله علیه و آله فشار مخالفان علیه وی شدت می‌یابد؛ چنان می‌گوید:

خانه‌ام آبادان بود، موهای سرم سیاه، سیم سپید، زندگی‌ام شاداب،
خویشاوندانم با من همراه و همگام بودند، جامه جوانم نو و پاکیزه و از آسایش

و آرامش دلپذیر چیزی کم نداشتم اما حوادث روزگار این تومار نوید بخش را در هم نوردید؛ همان گونه که وقتی باد شمال می وزد و آثاری بر جای می گذارد به وضعی گرفتار گردیده ام که رویدادها دامن خود را بر سر آن می کشند. (امینی نجفی، ۱۳۹۱ش، ج ۷، ص ۷۳-۷۴).

تنگناها چنان او را آزار می داد که ناگزیر انزوا را برمی زیند و گوشه عزلت را اختیار می کند؛ اما باز هم حرکات عده ای علیه وی ادا به پیدا می کند؛ پس خانه و زندگی خود را، که در شهر حله بوده است، ترک کرد و به سوی منطقه خراسان مهاجرت می کند. در این زمان فرمانروایان شیعه، سربداران، بر این قلمرو حکمرانی می کردند.

بُرسی این فضای سیاسی - اجتماعی را که دولت مزبور فراهم کرده است، به فال نیک می گیرد و با آرامش و وجد خاصی در جوار آستان قدس رضوی معتکف می شود. او به تلاش های آموزشی و پژوهشی خود ادامه می دهد؛ اما ازدحام زائران و ازدیاد ایاب و ذهاب در این ناحیه به وی اجازه نمی دهد، کوشش های فرهنگ - تحقیقاتی را به نحو مطلوب و رضایت بخشی پی گیرد. در نتیجه سفر دیگری را در پیش می گیرد و راهی مناطق مرکزی ایران می شود.

سرانجام در کویر مرکزی در باغستان، معروف به بهشت آباد، ساکن می شود. این مکان همان جایی است که در وقفنامه احمد بن رستم مطیار قرشی (که به سال ۳۱۶ هجری تنظیم شده و من رونوشتی از آن را ملاحظه کرده ام) بدان اشاره شده است. این مکان به عنوان حد شمالی شهر زواره است. در پاره ای منابع آمده است که این آبادی بخشی از هفت شهر لیلان به مرکزیت لاسریه بوده و اکنون خرابه های آن زیر تپه های شنی مدفون شده و جزو آثار تاریخی ثبت است.

حافظ بُرسی در فضای مد که محیطی دنج و آرام بود به حیات فکری و علمی خویش ادامه می دهد و آخرین اثر خود را در حدود سال ۸۱۳ هجری قمری تألیف می کند. در این موقع او عالمی حدود هفتاد ساله بود. او کمی بعد از نگارش آخرین اثر به سرای باقی کوچ

کرد؛ پیکرش در همین باغستان دفن شد و با این وصف می‌توان زمان رحلت او را سال ۸۱۵ هجری قمری حدس زد (شیبی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۴۵؛ گلی‌زواره، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۳۰۱).

البته نایب‌الصدر شیرازی (رجال‌نگار صوفی مسلک) که تلاش دارد عرفا و محدثان شیعه را به عنوان اهل تصوف معرفی کند، مدفن بُرسی را بدون ذکر مأخذ و مدرک و دلیل، قبرستان قتلگاه مشهد ذکر می‌کند. (نایب‌الصدر شیرازی، ۱۳۳۹ش، ج ۳، ص ۷۱۱) درحالی‌که حدود چهار قرن بعد از وفات ابن عارف سخنور و در اواخر دولت صفویه بود، که فرمان قتل عام اهالی مجاور آستان مشهدالرضا علیه السلام به دست عبدالله افغان صادر شد؛ از آن زمان امکان به قتلگاه مشهد مقدس نام گرفت. این در حالی است که میرسیدعلی جناب اصفهانی (۱۲۸۸ - ۱۳۴۱ق) در اثر معروف خویش نوشته است: «بقعه شیخ رجب بُرسی که از شناخته‌شدگان عرفاست در مجاور قریه امیرآباد (از توابع بلوک سفلی و دهستان ریگستان) قرار دارد.» (جناب، ۱۳۷۱ش، ص ۱۹۶) میرزاحمدباقر خوانساری نیز شنیده است، که قبر او در میان باغی در شهرستان اردستان واقع است. (خوانساری، ج ۳، ص ۳۴۵) مدرس تبریزی هم این قول را درج می‌کنند (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱)

محدث قمی می‌نویسد:

تاریخ وفات ماتن محقق (برسی) را ندانستم الا آنکه مرقد مطهر او در قصبه اردستان، که در چند منزلی اصفهان است، در بستانی واقع است؛ چنان‌که برخی ثقات برای من نقل کرده‌اند. فقیر گوید: «مراد صاحب کتاب روضات الجنات از مرقد مطهری که ذکر می‌کند مرقد شارح مشارق الانوار (سن خطیب قاری سبزواری) است، نه مرقد ماتن؛ اما قبر ماتن را نیافتم در جایی که ذکر کرده باشند، موضع آن را، مگر در کتاب یکی از صوفیه عصر خود، که نوشته مرقد شیخ رجب در قتلگاه مشهد است. (قمی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۳۱۰)

حقیقات میدانی، محلی، مشاهدات عینی و اظهارات معتمدین منطقه این واقعیت را تأیید می‌کند که بقعه شیخ حافظ رجب در سیزده کیلومتری شمال شرقی زواره، در مجاورت

روستای علی آباد منصوریه واقع است. سال‌های بسیاری است، که بقعه‌ی این عارف شیعی، مورد توجه و از کانون‌های زیارتی اهالی زواره و آبادی‌های حومه‌ی آن است و حتی عده‌ای در حدّ مشاهده‌ی کرامت‌هایی، نسبت به وی اعتقاد دارند و مقامش را تکریم می‌کنند.

مهم‌ترین و ماندگارین کرامت‌ها عالم شیفته‌ی بل بیت علیه السلام این است، که بقعه‌ی ساده‌اش در قلب اقیانوسی از شن و ماسه، طی قرون متمادی، از گزند حوادث اقلیمی و تاریخی مصون مانده است و مردمان منطقه از گذشته تا به امروز برای برپایی آن صادقانه تلاش کرده‌اند.

نخستین بنای این مرقد به اواخر قرن نهم هجری تعلق دارد، که در رصفویه نسبت به تکمیل و مرمت آن اقدام شد. در زمان قاجاریه جعفر عصار زواره‌ای آن را با آجر و گچ، تجدید بنا کرد. در دوران حیات مصطفی قلی خان سهام‌السلطنه عرب عامری (م ۱۳۰۶ق)، حاکم کرمان در آبادی امیرآباد، که حوالی این بقعه است، مهمان او می‌شود و چون از مقامات معنوی این شیخ شیعی اطلاع پیدا می‌کند، نذر می‌کند، حصار اطراف بقعه‌ی مزبور، احداث کند. استاد قهار اردستانی مجری این طرح می‌شود و در ورودی ساختمان، بالای سردرب بقعه، بالاخانه‌ای برای بیتوته زائرین توسط حاج یوسف سرابه‌ای ساخته شد که تا چندی قبل هم برقرار بود. (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۲۰۸؛ نکته‌سنج، ۱۳۶۹، ص ۲۲-۲۴؛ دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۱۰۴)

در این اواخر به دلیل رو به ویرانی رفتن این بنا و برخی تحولات منطقه‌ای، از تعداد زائرین مرقد شیخ رجب بُرسی کاسته شده بود، تا آنکه در رمضان سال ۱۴۱۰ هجری قمری مطابق ۱۳۶۸ هجری شمسی با تذکرات مؤکد و پیگیری‌های جدی مرحوم آیت‌الله شیخ حسن ممدوحی کرمانشاهی، مدرس مبرز حوزه‌ی علمیه قم، عمران، آبادانی و احیای این مزار مورد توجه خیرین محلی و برخی نهادهای دولتی قرار گرفت،

هیئت امنای بقعه، که به پیشنهاد معظم‌له در همین ایام شکل گرفت، با اشتیاق وافر برای توسعه‌ی این بنا تلاش‌های ارزشمندی انجام داد؛ کوشش‌های عمرانی، تأسیساتی خدماتی، رفاهی و ارتباطی و... که هم اکنون نیز همچنان ادامه دارد. به امید آنکه این اقدامات در آینده‌ای

نه چند دور به ثمر برسد و آرامگاه این شیخ عارف و محدث عالیقدر با شکوه افزون تری، در این منطقه عطر افشانی کند.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت، شیخ فظ رجب بُرسی، عارف و محدث قرن‌های هشتم و نهم هجری این توفیق را به خود اختصاص داد تا ضمن تحصیل فقه، کلام و حدیث در حوزه پروتق حلّه به صورت خود آموخته، در عرفان، تفسیر قرآن، حکمت، علوم غریبه و مباحث ذوقی مطالعاتی انجام دهد. او با توجه به اشتیاق وافری که نسبت به خاندان طهارت داشت و فضای مناسبی، که این حوزه پر بار شیعه به وجود آورده بود، در خصوص مقامات، فضایل و مناقب خاندان طهارت پژوهش‌هایی انجام داد و محصول تحقیقات خود را در قالب آثاری منظوم و منثور تدوین کرد. او این میراث نفیس را در معرض دید علاقه‌مندان قرار داد.

نفس این تلاش با ارزش که نکات رازآلودی را درباره منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام مورد توجه قرار داده بود، با صعوبت و دشواری‌های فرساینده‌ای توأم بود؛ اما ارادت وافرش نسبت به این وجودهای مقدس، سختی‌های مزبور را بر او هموار می‌ساخت، به علاوه نشر و ترویج این فرهنگ والا و نقل و تشریح اسرار عترت نبی مکرم، بر عده‌ای که چنین حقایقی را درک نمی‌کردند یا به دلیل برخی تعصب‌ها و گرایش‌های فرقه‌ای ژرف‌کاوی‌های وی در وصف کمالات ائمه برایشان قابل پذیرش نبود، گران آمد و او را محب غالی معرفی کردند. ایشان با انگیزه‌های مغرضانه که با تعصبات فرقه‌ای آمیخته بود بر این عالم گرانقدر شیعی طعن زدند. در مقابل آنان، عده‌ای اظهارات و نوشته‌هایش را ستوده و با تمامی توان از نگاهش‌هایش دفاع کردند.

روی آوردن این بزرگوار به علم اعداد و حروف و کمک گرفتنش از علوم غریبه در بیان مکارم و فضایل اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باعث شد تا ایشان بعضی مباحث را بیان کند و در نتیجه بعضی ایشان را به گزافه‌ویی متهم کردند، که خود به چنین ملامت‌هایی توجه داشته و در مقام پاسخ‌گویی و رفع اتهامات برآمده است. کاروانی از علمای شیعه بر این باورند اگر

منظور از ابن غلو، اعتقاد به ا هیت ائمه هدی، اباحه محرّمات، اسقاط کلیف، حلول، شبیه و تناسخ است؛ به یقین شیخ افظ بُرسی در زمره غالیان قرار نمی‌گیرد، به علاوه عده‌ای از محدثان، علما و عرفا، حکما و مفسران از عصر شیخ رجب بُرسی تا کنون در آثار خویش به آثار وی استناد نموده‌اند و در واقع به نوشته‌هایش اعتماد کرده‌اند.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۳۶۲ش)، الضیاء اللامع فی القرن التاسع امجلد الرابع من طبقات اعلام الشیعه، تحقیق: ولده علی نقی منزوی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، طبع ثانی.
۲. _____ (۱۴۰۸ق)، الذریعة ای تصانیف الشیعة، قم، مؤسسه اسماعیلیان، طبع ثالث.
۳. _____ (۱۴۳۰ق)، طبقات اعلام الشیعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. آشتیانی، سید جلال الدین (۱۳۷۰ش)، شرح مقدمه قیصری و فصوص الحکم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. آینه پژوهش (مهر و آبان ۱۳۶۹ش)، پژوهش های در آستانه نشر، مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمومنین علیه السلام، دوره اول، شماره سوم.
۷. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۹۲ش)، شرح نهج البلاغة، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد (۱۳۷۰ش)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد تهران، آگاه، چاپ پنجم.
۹. _____، (۱۳۷۰ش)، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، آگاه، چاپ پنجم.
۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۷۶ش)، تحف العقول من آل الرسول، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چاپ ششم.
۱۱. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد (۱۴۲۲ق)، ارشاد القلوب الی الصواب ا من عمل به من الیم العقاب، قم، الشریف الرضی.
۱۲. ابن عنبه، جمال الدین احمد (۱۳۸۳ش)، عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۳. اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۹ش)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. اسلامی جاسبی، شیخ‌قوام‌الدین (۱۳۹۴ق/۱۳۵۳ش)، *بشارة المومنین در تاریخ قم و قمین*، قم، مؤلف.
۱۵. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۴۱۰ق)، *تعلیقه الامل الامل*، تدوین و تحقیق سیداحمد حسینی، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی.
۱۶. _____، (۱۳۸۹ش)، *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۱۷. امانی، محمدحسن (۱۳۷۵ش)، *سیمای حله شهر فقاقت*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۱۸. امین عاملی، سیدمحسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۹. امین، سیدحسن (۱۴۰۶ق)، *دائرة المعارف الامیة الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۲۰. امینی، شیخ عبدالحسین (۱۳۹۱ش)، *الغدير فی الكتاب و السنة و الادب*، تهران، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، چاپ پنجم.
۲۱. انوار، سیدعبدالله (۱۳۹۳ش)، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، چاپ سوم.
۲۲. بحرانی، یوسف (۱۴۲۱ق)، *لؤلؤ البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث*، حقیقه و علّق علیه سیدمحمدصادق بحرالعلوم، قم، مؤسسه آل‌البیت احیاء التراث.
۲۳. برقی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۸۴ش)، *راهنمای دانشوران*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۴۰۸ق)، *الفرق بین الفرق*، بیروت، دارالجمیل و دارالافاق.
۲۵. بلاذری، احمد (۱۴۱۳ق)، *فتوح البلدان*، بیروت، دارالمکتبه الهلال.
۲۶. بیانی، شیرین (۱۳۸۲ش)، *تاریخ آل جلایر*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲۷. به‌اهتمام آذر تفضلی و مهین فضالی جوان، (۱۳۷۲ش)، *فرهنگ بزرگان اسلام و ایران*، مشهد،

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۲۸. به کوشش سیدمحمدعلی ایازی و حسن پویا، (۱۳۹۰ش)، ره افسانه، گفتارهای دین شناختی درباره خرافات، تهران، عروج، چاپ اول.

۲۹. پاشا بغدادی، اسماعیل، (۱۴۰۲)، مَدِیة العارفین، اسماء المؤلفین و آثار ائمه من کشف الظنون، بیروت، دارالفکر.

۳۰. ترابی، احمد (۱۳۸۸ش)، شهید اول، نخستین شهید راه فقاہت، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

۳۱. جابلقی بروجردی، سیدعلی اصغر (۱۴۱۰ق)، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳۲. جزایری، سید نعمت الله (۱۴۲۹ق)، الانوار امانیة فی بیان معرفة النشأة الانسانیة، بیروت، دارالقاری، طبع اول.

۳۳. جعفریان، رسول (۱۳۹۳ش)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دوت صفوی، تهران، نشر علم، چاپ ششم.

۳۴. جمعی از فضلا (۱۴۲۷ق)، آیت نور، یاد امامه آیت الله سیدمحمدحسین حسینی تهرانی، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ اول.

۳۵. جمعی از محققان و نویسندگان (۱۳۷۵ش)، گلشن جلوه، مجموعه مقالات در تجلیل از مقام لمی حکیم جلوه، به کوشش غلامرضا گلی زواره، قم، انتشارات قیام، چاپ اول.

۳۶. جناب، میرسیدعلی (۱۳۷۱ش)، الاصفهان، اصفهان، انتشارات گل‌ها (امور فرهنگی شهرداری اصفهان)، چاپ دوم.

۳۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش)، فہمیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم.

۳۸. جوادی، قاسم و حسنی، سیدعلی (بهار ۱۳۸۷)، «بررسی تاریخ حوزه علمیه حلّه»، شماره ۲۱.

۳۹. حاجی خلیفه، مولا مصطفی عبدالله (۱۴۰۲ق)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالفکر.

۴۰. حافظ بُرسی حلی، رجب بن محمد (۱۳۹۱ش)، **الدرا** بین فی خمس مائه، آه نزلت فی شأن، مولانا امیرالمومنین علیه السلام، تحقیق سیدعلی عاشور، ترجمه و توضیحات هاشم کدکنی، مشهد، انتشارات سناباد، چاپ اول.
۴۱. _____، (۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش)، **مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین**، تحقیق سیدعلی عاشور، قم، ذوی القربی.
۴۲. _____، (۱۳۸۹ش)، **مشارق انوارا بین فی حقایق اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام**، ترجمه ملاصادق بن ملاعلی رضا یزدی، تصحیح قربان مخدومی، قم، انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمان علیه السلام.
۴۳. _____، (مخطوط)، **لواع انوار التمجید و جوامع اسرار التوحید**، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کد بازیابی ۷۸۲.
۴۴. _____، (۱۳۹۵ش)، **ولایت بهار خلقت**، مصحح: سیدعلی عاشور، ترجمه سیدجلال الدین سیادت، قم، ارمغان طوبی.
۴۵. حائری، عبدالحسین (۱۳۹۱ش)، **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی**، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴۶. حرزالدین، محمد (۱۳۷۱ش)، **مراد المعارف فی تعیین مراد العلویین و الصحابة و التابعین و الرواة العلماء و الادباء و الشعراء**، به کوشش محمدحسین حرزالدین، قم، انتشارات سعید بن جبیر.
۴۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲ش)، **امل الامل**، تحقیق: سیداحمد حسینی اشکوری، قم، دارالکتب الإسلامی.
۴۸. _____، (۱۳۸۴ش)، **کلیات حدیث قدسی**، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، دهقان، چاپ سوم.
۴۹. _____، (۱۳۹۱ق)، **وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، تصحیح، تحقیق و تذیل شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، طبع چهارم.

۵۰. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۶۳ش)، یازده رساله فارسی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
۵۱. _____ (۱۳۶۹ش)، مجموعه مقالات، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۲. حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین (۱۴۳۲ق)، روح مجرد، یادنامه حاج‌سیدهاشم موسوی حدّاد، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ سیزدهم.
۵۳. خاقانی، علی (۱۳۷۰ق)، شعراء الحلة او البابلیات، نجف اشرف، مطبعة الحیدریه.
۵۴. خراسانی، حاج‌محمدهاشم (بی تا)، منتخب التواریخ، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
۵۵. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۵ش)، تبیان، دفتر دوازدهم، سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵۶. خزائی، حسنعلی (۱۳۸۳ش)، سیمای دانشوران، قم، گنج عرفان.
۵۷. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۱۴ق)، الفصول المهمّة فی معرفة الاثمة، تحقیق سامی الغیری، قم، دارالحديث لطباعه و النشر، طبع اول.
۵۸. _____، اعلام امدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل‌البيت احیاء التراث، طبع ثانی.
۵۹. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۶۷ش)، تاریخ اردستان، تهران، کتابفروشی دهخدا، چاپ دوم.
۶۰. روضاتی خوانساری، سیدمحمدعلی (۱۴۳۱ق/۱۳۹۰ش)، تکملة الذریعة الی تصانیف الشیعة، اعداد: محمدبرکت، تهران، متحف و مرکز وثائق مجلس الشوری الاسلامی، طبع نخست.
۶۱. زبیدی، سیدمرتضی (۱۳۸۵ق)، تاج العروس من جواهرالقاموس، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم.
۶۲. زرکلی، خیرالدین (۱۳۹۲ق)، الاعلام قاموس تراجم، قاهره، دارالعلم للملایین.
۶۳. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، دباله جستجو در تصوف ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم.
۶۴. زنگنه، ابراهیم (۱۳۸۲ش)، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶۵. ستوده، امیررضا (۱۳۸۱ش)، پا به پای آفتاب، تهران، مؤسسه نشر پنجره، چاپ دوم.

۶۶. سخاوی، محمد بن عبدالرحمان (۱۳۰۲ش)، الضوء ا ع فی اعیان القرن التاسع، قاهره، بی‌نا.
۶۷. سمّامی حائری، محمد (۱۳۷۲ش)، بزرگان تنکابن، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۶۸. سید رضی، محمد (۱۳۹۲ق)، نهج البلاغه، گزیده خطب، نامه‌ها و حکم حضرت علی علیه السلام، ترجمه و شرح: علی نقی فیض الاسلام، تهران، اسلامیه.
۶۹. سیدکباری، سیدعلیرضا (۱۳۷۸ش)، حوزه‌های یه در گستره جهان، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۷۰. شبر، جواد (۱۴۰۹ق)، ادب الطف، بیروت، دارالمرتضی.
۷۱. شبر، سید عبدالله (۱۳۶۷ش)، الانوار الأملیة فی شرح الزیارة الجامعة، ترجمه عباسعلی سلطانی گل شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷۲. شعرانی، عبدالوهاب بن احمد (۱۴۲۲ق)، منة المنة فی ا بلس بالسنة، حلب (سوریه)، دارالکتب النفیس.
۷۳. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۹۲)، مجالس المؤمنین، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷۴. _____ (۱۴۰۹ق)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، مقدمه و تعلیقات، آیت الله سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، طبع نخست.
۷۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۴۱۵ق)، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه.
۷۶. شهید اول، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۰ق)، اللمعة ا شقیة فی فقه الامامیة، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
۷۷. شیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۴ش)، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۷۸. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶ق)، توحید، تصحیح سیدهاشم حسینی تهرانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم.
۷۹. _____، (۱۳۶۱ش)، معانی الاخبار، تصحیح علی‌اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی.

۸۰. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۴۰۱ق)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة (الاسفار الاربعة)*، با حواشی حکیم ملاحادی سبزواری و علامه طباطبایی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۸۱. صفّار قمی، محمد بن حسین (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضایل آل محمد*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۸۲. طاهری پور، زهرا (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «دستاورد های علمی حوزه حلّه»، *صلنامه پژوهش دینی*، شماره پیاپی ۳۲.
۸۳. طریحی، فخرالدین (۱۴۲۴)، *امنتخب فی جمع المرامی و الخطب*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸۴. _____، (۱۳۶۷ش/۱۴۰۸ق)، *مع البحرين*، به کوشش محمود عادل و سیداحمد حسنی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، طبع ثانی.
۸۵. عباسی زنجانی، شیخ موسی (۱۳۹۴ش)، *اجامع فی الرجال*، قم، مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر علیه السلام.
۸۶. فیض کاشانی، محمدحسن (۱۳۶۰ش)، *کلمات کنونة من علوم اهل الحکمة و المعرفة*، صححه و علّق علیه شیخ عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، چاپ دوم.
۸۷. قمی، شیخ عباس (۱۳۶۳ش)، *هدیة الاحباب فی ذکر المعروین بالکنی و الالقاب و الانساب*، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۸۸. _____ (۱۳۸۷ش)، *الفوائد الرضویة فی احوال علماء ا مذهب الجعفریة*، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم.
۸۹. _____ (۱۴۱۸ق)، *سفینة البحار و مدینة احکم و الآثار*، تقدیم و اشراف: علی اکبر الهی خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، طبع اول.
۹۰. _____ (۱۳۶۸ش)، *الکنی و الالقاب*، تهران، کتابخانه صدر، چاپ پنجم.

۹۱. _____ (۱۳۷۱ش)، مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
۹۲. قیصری رومی، محمد داوود (۱۳۷۵ش)، شرح فصوص الحکم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۸۴ق)، ینایع الموده لذوی القربی، نجف اشرف، مطبعه الحیدریه.
۹۴. کاشف الغطاء، علی بن محمد (۱۳۹۶ش)، الحصون ا نیعة فی طبقات الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث.
۹۵. کحّاله، عمر رضا (۱۳۷۶ق)، معجم المؤلفین، ترا مصنفی الکتب العربیة، بیروت، دار احیاء التراث.
۹۶. کرکوش حلّی، شیخ یوسف (۱۳۸۴ش)، تاریخ الحلة، نجف اشرف، مکتب الحیدریه.
۹۷. کرین، هانری (۱۳۷۳ش)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه سیدجواد طباطبایی، تهران، کویر.
۹۸. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۳۷۱ش)، المقام الاسنی فی تفسیر الاسماء الحسنی، تحقیق شیخ فارسی حسّون، قم، مؤسسه قائم آل محمد.
۹۹. _____ (۱۴۰۵ق)، المصباح، نة الامان الواقیة و جنة الایمان الباقیة، قم، دارالرضی (زاهدی)، طبع ثانی.
۱۰۰. _____ (۱۳۸۳ق)، ابلدا مین و الدرّ احصین من الادعیة و الاعمال و الاوراد و الاذکار، تهران، مکتبه الصدوق.
۱۰۱. کلینی، محمد یعقوب (۱۳۷۹ش)، اصول مافی، تهران، اسوه، چاپ چهارم.
۱۰۲. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۸ش)، تاریخ فقه و فها، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفدهم.
۱۰۳. گلی زواره، غلامرضا (تحت طبع)، بر کرانه کمالات، زندگی و کارنامه آیت ا شیخ مین مظاهری، اصفهان، کنگره نکوداشت آیت الله مظاهری.
۱۰۴. _____ (۱۳۶۸ش)، زواره آرמידه بر کرانه کویر، مخطوط و غیر مطبوع.
۱۰۵. _____ (۱۳۷۶ش)، آشنای عرشیان، قم، انتشارات قیام، چاپ اول.

۱۰۶. _____ (۱۳۷۶ش)، منظومه معرفت، قم، قیام، چاپ دوم.
۱۰۷. _____ (۱۳۸۵ش)، عارفی ناشناخته، در ستارگان حرم، دفتر شانزدهم، قم، زائر، چاپ اول.
۱۰۸. _____ (۱۳۸۶ش)، سلوکی ملکوتی، قم، مؤسسه انتشارات الذاکرین، چاپ اول.
۱۰۹. _____ (۱۳۹۷ش)، گوهر گرانبهای کویر، تهران، نشر تأویل.
۱۱۰. _____ (۱۳۶۹/۵/۴ش)، درّ گران‌هایی در کویر زواره، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۲۳۱.
۱۱۱. _____ (اول مرداد ۱۳۸۶)، «در کوی اهل دل»، شریه نگاه کویر، سال دوم، شماره ۲۴.
۱۱۲. _____ (تیر و مرداد ۱۳۹۵)، «حیات علمی و فکری فضل بن شاذان نیشابوری»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۴۱۳ و ۴۱۴.
۱۱۳. _____ (تیر و مرداد ۱۳۹۵)، «دانشمند شهید»، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۹۲.
۱۱۴. _____ (فروردین ۱۳۸۰ش)، «نقد و بررسی کتاب مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمومنین علیه السلام»، کتاب ماه دین، سال چهارم، شماره ۴۱ و ۴۳.
۱۱۵. _____ (۱۳۶۸ش)، شیخ حافظ رجب بُرسی دانشور و عارف گرانقدر شیعه، جزوه زیراکس.
۱۱۶. _____ (۱۳۷۹ش)، شعلی منیر در ظلمت کویر، قم، حضور، چاپ اول.
۱۱۷. گروهی از نویسندگان (۱۴۲۴ق/۱۳۸۲ش)، معجم طبقات المتکلمین، تقدیم و اشراف آیت الله شیخ جعفر سبحانی تبریزی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، طبع اول.
۱۱۸. _____ (۱۳۷۸ش)، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائره المعارف بزرگ اسلامی.
۱۱۹. _____ (۱۳۸۱ش)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات دوستان و نشر ناهید، چاپ دوم.
۱۲۰. _____ (۱۳۸۱ش)، دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی،

چاپ اول.

۱۲۱. _____، (۱۳۸۳ش)، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی و دیگران، تهران، نشر سعید محبی، چاپ سوم.
۱۲۲. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، *نقیح المقال فی علم الرجال*، با توضیحات و تعلیقات محی الدین مامقانی، و محمدرضا مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۲۳. ماهنامه زائر، (فروردین ۱۳۹۶)، «گفتگو با آیت الله جوادی آملی»، شماره ۲۵۰.
۱۲۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۳۱ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲۵. متقی، حسین، (۱۴۲۳ق/۱۳۸۱ش)، *معجم الآثار امخطوطه حول الامام علی بن ابی طالب علیه السلام*، تحت اشراف سید محمود مرعشی، قم، مکتبه آیت الله مرعشی النجفی، طبع اول.
۱۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء و دار احیاء التراث العربی، طبع ثالث.
۱۲۷. _____ (۱۳۷۵ش)، *جلد سیزدهم بحار الانوار*، ترجمه علی دوانی، با عنوان مهدی موعود علیه السلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هفتم.
۱۲۸. _____ (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لِ دُرَرِ اخبار ائمه الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، طبع ثالث.
۱۲۹. محیطی، علی (۱۳۷۹ش)، *صراط سلوک*، قم، مرکز فرهنگی انصارالمهدی.
۱۳۰. مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۷۴ش)، *ریحانة الادب*، تهران، خیام، چاپ پنجم.
۱۳۱. مرکز الدراسات والبحوث العلمیه (۱۴۱۴ق)، *فهارس بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۱۳۲. مشکور، محمدجواد (۱۳۶۳ش)، *تاریخ ایران زمین*، تهران، اشراقی، چاپ دوم.
۱۳۳. مظاهری، حسین (۱۳۸۶ش)، *زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام*، تهران، پیام آزادی.
۱۳۴. _____ (۱۳۹۷ش)، *معرفت نفس*، اصفهان، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام، چاپ اول.
۱۳۵. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۵ش)، *بیر و مفسران*، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ دوم.

۱۳۶. معروف حسنی، سیدهاشم (۱۴۰۳ق/۱۳۶۱ش)، تاریخ فقه جعفری، تهران، دفتر تحقیقات انتشارات بدر.
۱۳۷. _____ (۱۴۳۱ق)، الموضوعات فی الآثار و الاخبار، تحقیق اسامه ساعدی، تحت اشراف حیدر حبّ الله، بیروت، مؤسسه الفكر الاسلامی.
۱۳۸. _____ (۱۳۶۹ش)، تصوف و تشیع، ترجمه سیدمحمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳۹. _____ (۱۳۷۲ش)، اخبار و آثار ساختگی، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۴۰. معلم حبیب‌آبادی، میرزاحمدعلی (۱۳۹۶ش/۱۳۵۵ش)، مکارم الآثار، اصفهان، اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان.
۱۴۱. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمود محرومی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، چاپ اول.
۱۴۲. مقدسی، ابونصر بن مطهر بن طاهر (بی تا)، البدء والتاریخ، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیّه.
۱۴۳. ملکی، محمد (۱۳۸۴ش)، در امتداد فلسفه و عرفان، تهران، هستی‌نما.
۱۴۴. _____ (۱۴۳۴ق)، موسوعة مؤف الامامیة، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
۱۴۵. مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۵۲ش)، کلیات مثنوی معنوی، تهران، طلوع.
۱۴۶. مهاجر، جعفر (۱۳۹۳ش)، عامل بین الشهدیدین، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی.
۱۴۷. _____ (۱۴۱۰ق)، الهجرة العاملیة ای ایران فی العصر الصفوی، بیروت، دارالروضة.
۱۴۸. _____ (۱۴۳۱ق)، اعلام الشیعة، بیروت، دارالمورخ العربی.
۱۴۹. مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲ش)، آفاق تفسیر، مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی، تهران، هستی‌نما، چاپ اول.
۱۵۰. مهدوی، سیدمصالح‌الدین (بی تا)، تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقفی، چاپ دوم.

۱۵۱. مرکز نشر اسراء (۱۳۸۱ش)، مهر استاد، سیره علمی و عملی آیت الله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۵۲. مؤسسه معارف اسراء می (۱۴۲۷ق)، معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ دوم.
۱۵۳. ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۷۹ش)، تشیع در خراسان عهد تیموریان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۵۴. نایب‌الصدر شیرازی، میرزامحمد معصوم‌علی‌شاه (۱۳۳۹ش)، طرائق الحقایق، با تصحیح محمدجعفر محبوب، تهران، سنایی.
۱۵۵. نبئی، ابوالفضل (۱۳۷۵ش)، اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم هجری از سقوط ایلخانان تشکیل تیموریان، مشهد، دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
۱۵۶. نکته سنج، علیرضا (۱۳۶۹ش)، عاری دانشور، غیرمطبوع.
۱۵۷. نمازی شاهرودی، شیخ‌علی (۱۴۲۷ق)، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، طبع ثانی.
۱۵۸. نورمحمدی، محمدجواد (۱۳۸۰ش)، حکایت پارسایی، اصفهان، کانون پژوهش.
۱۵۹. هرندی، محمدجعفر (۱۳۷۱ش)، مروری بر تاریخ فقه و فقها، رشت، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران، چاپ اول.
۱۶۰. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹ق)، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶۱. یعقوبی، محمدعلی (۱۳۷۰ق)، البابلیات، نجف اشرف، دارالبیان، طبع ثانی.
۱۶۲. یوسفی، فرشید (۱۳۶۵ش)، باغ هزارگل، مذکره سخنوران کرمانشاه، تهران، فرهنگ خانه اسفار.
۱۶۳. سایت تبیان (۱۳۸۷/۹/۱۲ش)، معرفی حوزه علمیه حله.